

افتخار آفرینی اعضای انجمن سبز چیا

در یک ماه گذشته دو خبر خوب در حوزه پرندگی نگر برای تیم تخصصی پرندگی انجمن سبز چیا اتفاق افتاد و اعضای انجمن افتخاراتی را کسب کردند. در مسابقه کشوری عکاسی از تالاب ها، که به مناسبت روز جهانی تالاب ها برگزار گردید، آقای جلال پزشکی و شیرکو کانی سانانی درخشیدند و همچنین در سوپی آقای محمد سفرنگ به عنوان یکی از اعضای اصلی کمیته کشوری ثبت پرندگان انتخاب شد.

صفحه ۲



اعتراض اصلاح مداوم است

اعتراض بخشی از ماهیت انسان است به جرات می توان گفت مخالفت و ابراز نظر خلاف آنچه طرف و یا گروه مخالف می گوید تجلی توانایی انسان است. پتانسیلی که در حیوانات وجود ندارد و آن ها صرفاً در تنازع برای بقا می جنگند اما انسان بر اساس اندیشه و ظرفیت های ذهنی خود می آموزد و در فرایند اجتماعی شدن به واسطه زیستن در فضای خانوادگی، فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی اموری را فرامی گیرد که مشابه و یکسان با دیگر افراد نیست.

صفحه ۴



کوردی - فارسی
مانگانه‌ی فرهنگ‌نگی - کومه‌لایه‌نی

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ | ۱۵۰ رپه‌اندانی ۲۷۱۷ ی کوردی | ۴ فوریه ۲۰۱۷ | سال سوم | شماره ۲۸ | ۸ صفحه | قیمت ۱۰۰۰ تومان

خلاف‌تیسیم و سلاخی انسانیت در عفرین



خوڤارگری و خوڤارگری به کهمین یاسای سهرکه‌وتنه. چار وایه وشه‌یه که نه‌بیتنه رهمزی ژبان و نه‌مرو عه‌فرینه واتای ژبانه. عه‌فرین پی‌وهه بو هه‌لوپست، بو به‌رپرسیاریهه. عه‌فرین ناویکیتیری خوڤارگریه، عه‌فرین غه‌دریکه به‌دریژی می‌ژوو. عه‌فرین ده‌لاقیه‌که به‌رهو داهاتوو. له‌م دوزه‌خی رژه‌هلانسی ناوینده‌ا، چون مناله‌کانمان فیری وانه‌ی ژبان و ژینگه و ناشتیخواری بکه‌ین کاتی به‌بیتاوان هپرش بگریته‌سهرت و هه‌موو دنیا‌ش چکه له که‌مینیه‌کی که‌م، بی‌ده‌نگ؟ چنه‌ناپه‌نی که له عه‌فرین روونه‌دات جیا نییه له‌وه‌ی له‌باقی شوپنه‌کانیتیری دنیا روونه‌دات، منالانی عه‌فرین، منالانی نه‌فغانستان، فه‌له‌ستین و هند یه‌ک ژینگه‌یان هه‌یه و یه‌ک چاره‌نووس. خراپترین چنه‌ناپه‌ته‌کان نه‌وانه‌ن به ناوی خواوه نه‌کرین. نادوینتی بوو داعش به‌ته‌ور موزه‌خانه و ناسه‌واره میژووییه‌کانیان کاول نه‌کرد، نه‌مرویش توریکیا به هه‌موو هیزی خوڤی و ده‌بان گروپی تیر ژورست، تووی نه‌فهرت و شه‌ر نه‌چینن.

نقش فضای سبز در کاهش خسارات و صدمات زلزله

ما به مرگ انسان‌ها به هنگام بروز زمین‌لرزه پیش‌ازحد عادت کرده‌ایم. حال باید پیام‌وزیم که چگونه آنان را به هنگام زلزله، زنده نگاه‌داریم اصولاً برخورد ما با مسئله زلزله باید به کلی تغییر کند.

صفحه ۳

مدخلی بر تبارشناسی تاریخی اعتراض در ایران

گشتاسب، تفکر کرد و گفت: رعیت ما رمه ماست. شاید بتوان اذعان نمود مفاهیم سیاست، پادشاه، سلطان، رعیت و دولت در زمره مفاهیم کلیدی گفتمان سیاسی حکومت‌های پیشامدرن حاکم بر ایران بوده که با پیدایش و حضور اندیشه مدرن دچار دگرگشتی اساسی شده که زمینه عبور از بلوای نان به‌حق اعتراض به ناپسامانی سیاسی را فراهم نموده است

صفحه ۴

نیو‌عوسمانیزم و رورتاوا مؤدیلی واقعی کامه‌یه؟

هاتنه سهرکاری دهولتی نا‌که‌په‌گه‌نی که‌س و ولاتی دلخوڤی کردبوو گواپه مؤدیلیکی تازه بو حکومت‌کردن له ولاتانی بی‌سلامیدا گه‌لاله بووه و چیدی نه‌توانین تومیدوار بین کولتوری بی‌سلامیش له‌گه‌ل مؤدی‌پرتیه‌دا نه‌گونجیت و نازادی و دادپه‌رومرو بو مروڤ دسته‌بهر نه‌کات.

لایه‌په‌ی

خلاف‌تیسیم و سلاخی انسانیت در عفرین

پروهسگر مسایل خاور میانه و مدرس پیشین علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه و زانگوی سلیمانیه

۱. تو را خوی خون‌خوارت برانگیخت که جز سلاخی رؤیایی به سر نداری. «شکسپیر، پرده اول، ریچارد سوم»
۲. بشر به لذات و سوسه‌برانگیزی دست‌یافته است، لذت گشتار انسان‌ها در مقیاس وسیع، «نیچه، آخرین یادداشت‌ها»
۳. قهرمان، دلچک و تاریخ، همین و بس. «ماربو بارکاس یوسا»

به اعتباری و هرچه بیشتر در ژرفا کنکاش می‌کنیم بیشتر باورمان می‌شود که جامعه و تاریخ و سیاست به‌مثابه آوردگاه یاوه‌گویی‌های ایدئولوژی‌ها از یک‌سوی و قهرمانان از سوی دیگر است که غالباً روی دیگر قهرمانان دلچک بودنشان است و این بخش از حقیقت چنان رقت‌آور است که به‌هیچ‌وجه از آن گریزی میسور نیست. به زبان عامیانه و بسیار ساده قهرمان هرچه بیشتر قهرمان باشد بهمان اندازه بیشتر دلچک است، زیرا قهرمان با کشتن هرچه بیشتر انسان‌ها بیشتر قهرمان می‌شود... باری با این کوتاه مدخل و با عنایت به تیترو، برای خواننده این متن پروضح و مبرهن است که آنچه امروزه در عفرین می‌گذرد حاصل تب‌وتاب و توهم زدگی کسی است که خود و مریدانش از قطر تا اخوان‌المسلمین در مصر وی را در قامت یک قهرمان تجسم و نظاره و صدا بته دعا می‌کنند که ریشه‌ی کفر را در حوالی سرزمین مقدس جودی؟! و آل و اصحاب نوح بخشکاند، کفری که عامل و بانی‌اش دختران کافر می‌مردمی بی‌حجاب و مبرنمای تنگت به دست‌کورد در عفریناند، البته و صدا بته این قهرمان که فرماندهی دومین ارتش قدرتمند ناتو نیز هست از سال‌ها پیش عطشی وافر برای دلچک شدن و دلچک ماندن بر تارک تاریخ از خود نشان داده است چه که منقول از خود وی است که حضرت مستطاب جلال‌ت‌ماپ خلد نشان جنت‌مکان جناب شیخ سعید نورسی «به رچه‌له‌ک» کورد؟! شبی به خواب جناب قهرمان باشی آنکارا آمده و به وی فرموده است که رسالت داری که مسلمانان را نجات بخشی و...

جهان ما و آمال و مقاصد متعدد ما در چنین آوردگاهی که سلطانی متوهم و روان‌پریش دومین قدرت ناتو را رهبری می‌کند سلاخی می‌شوند، اما بی‌تردید این روان‌پریشی واژه‌ی خلاف‌تیسیم را من از تألیف و نوشتار هیچ‌کس به‌عبارت نگرشتم و برای اولین بار خویش این اصطلاح را برای توصیف گفتمان سیاسی مطوف به خلافت که اردوغان آنرا نمایندگی میکند به‌کار برده‌ام.

سیاسی آبشخور و خاستگاهی بس اساسی و جدی‌تر از آن دارد که در خلق‌وخوی جباریت و خودکامگی فرمانروایی مستبد خلاصه و شهود و صدا بته خلیفه اردوغان په‌کرات در گفتارهایشان تأکید کرده‌اند که در اندیشه‌ احیای خلافت اسلامی است، غافل از اینکه نمی‌توان با اندیشه‌های برآمده از جهان پیشامدرن، انسان مدرن و جهان مدرن را اداره کرد آن‌هم با قهر عریان و مشت آهنین. اما چرا اردوغان در قامت قهرمان احیای خلافت دوگانه‌ی قهرمان - دلچک را به نمایش گذارده و با بی‌تفاوتی جهان این‌گونه‌شان و منزلت و کرامت انسانی و موهبت جامعه‌ی جهانی را در عفرین سلاخی کند؟ و بسی تأمل برانگیزتر اینکه تالی و عقبه‌ی چنین سلاخی‌کردنی برای جهان امروز و فردا چیست؟ بی‌تفاوتی جهان و یک‌تازی و شدت بخشیدن به سلاخی بشریت توسط اردوغان در عفرین زاده‌ی این علل و عوامل است که در پی می‌آیند:

اول، یکی از جوانب پیچیده و در عین حال پلشت سیاست این است که گاهی بازیگران در عین بی‌تفاوتی عرصه را برای رقیب خالی می‌سازند تا رقیب با تاخت‌وتاز پتانسیل‌هایش تحلیل رفته و در نهایت قافیه را بربازد که غالباً تنها قضیه به این ختم نمی‌شود چرا که با زمین‌سازی و سناریوهای طراحی‌شده عملاً فضا برای ورود یک دولت به سیاست‌های افراطی و رادیکال فراهم می‌شود که این سیاست‌های رادیکال موجب‌افت مشروعبیت آن دولت‌خلف را رقم می‌زند و عملاً به ورشکستگی اخلاقی می‌رسد و یکی از مشهورترین این سناریوها را آمریکا در هفت‌ه‌های قبل از اشغال کویت توسط ارتش صدام حسین در دهه ۱۹۹۰ و در عصر ریاست‌جمهوری بوش پدر به‌مورد اجرا درآورد که عملاً و غیرمستقیم وی را به حمله به کویت ترغیب کرده بودند. گویا سفیر وقت آمریکا طی دیداری با صدام حسین به وی گفته بود که در صورت بروز بحران و جنگ میان دو دولت عربی، آمریکا بی‌تفاوت خواهد بود... که در ادبیات سیاسی از این موضوع تحت عنوان «پوست موز زیر پای کسی انداختن» یاد می‌شود. بی‌تردید یکی از سناریوهای که در ریشه‌یابی قاجعه امروز در سوریه و جاهت طرح دارد آن است که درگیر ساختن ترکیه در باتلاق سوریه به‌طورجدی نوعی «پوست موز انداختن زیر پای ترکیه باشد» که در انداختن این پوست موز زیر پای ترکیه هم آمریکایی‌ها هم روس‌ها و هم اروپایی‌ها نقش داشته‌اند. روس‌ها خوب آگاه‌اند که با ورود ترکیه به عفرین در آخرین حد متصور به ورشکستگی اخلاقی در نگاه افکار عمومی جهان خواهد رسید و از سوی دیگر با توجه به دو موضوع بسیار اساسی خصومت میان روس‌ها و ترکیه از یک‌سوی و عضویت آنکارا در ناتو از سوی دیگر، حضور و مشارکت ترکیه در جنگ عفرین علاوه بر ریزش جایگاه اخلاقی این کشور در دیدگاه جهانی، تالی رضایت‌بخش دیگری نیز به دلیل این حضور به‌حساب و جیب روس‌ها واریز

می‌شود و این بی‌تفاوتی اروپا به قاجعه سوریه ابتدایه‌ساکن اروپا با اردوغان مشکل و منازعه آشوبی ناپذیر دارند هرچند که هنوز اروپایی‌ها به معنی دقیق کلمه به ژرفای یوتوپیا و ایدئولوژی خلاف‌تیسیم که اردوغان به نمایندگی از اسلام‌گرایان حنی در تمامی شرق اسلامی و عربی به دنبال تحقق آن است پی نبرده‌اند که مریدان خلافت در جهان امروز چه رؤیایی برای جهان و بخصوص برای غرب در سردارند، اما باز با همه این‌ها تا حدودی باسیاست‌های اردوغان مشکل دارند و تحت تأثیر این بخش از موضوع اروپایی‌ها نیز بی‌میل نیستند که آنکارا در باتلاق سوریه مجبور به پرداخت هزینه‌هایی شود

ادامه در صفحه ۲



تربیت جنسی، تابویی که باید شکسته شود

از مهم‌ترین نیازهای حیاتی انسان خوردن و خوابیدن و رابطه‌ی جنسی است. اگر برای مدتی طولانی نخوریم یا نخوابیم خواهیم مرد، همچنین اگر نیاز جنسی انسان برآورد نشود علاوه بر به هم ریختن تعادل روانی و جسمی نوع انسان و نسل او از بین خواهد رفت.

صفحه ۵

عفرین میعادگاه آزادی و مقاومت

منطقه خودگردان دموکراتیک رورتاوا، در سال ۲۰۱۱، طی یک «قرارداد اجتماعی» در قالب سه کانتون ضدولتی و ضدکاپیتالیستی اعلام‌موجودیت‌کرده است تاکنون دستاوردها، درسه‌ها و تجارب بسیار ارزنده مبارزاتی و سازماندهی اجتماعی را با اتکا به مناسبات شورایی و دموکراسی مستقیم درمقابل همه پیکارگران و نیروهای برابری طلب چپ و کمونیست قرار داده است.

صفحه ۶

بیانیه شورای هماهنگی انجمن‌های مردم‌نهاد مریوان در باره عفرین

مردم آگاه و شرافتمند کوردستان! همانگونه که واقفید بیش از ده روز است که ارتش تا دندان مسلح ترکیه با همراهی بخشی از گروه‌های تروریستی - تکفیری، حمله ای همه جانبه و گسترده برعلیه مردم مظلوم و بی‌پناه عفرین در کوردستان سوریه را آغاز نموده است.

صفحه ۲

فرخوان ارسال آثار
دومین دوسالانه جایزه ماف برای
جهانی
عاری از
مپین

به مناسبت روز بین‌المللی آموزش خطرات مین و مقابله با مشکل مین (۴ آوریل - ۱۵ فروردین ماه ۱۳۹۷)
جایزه در سه بخش: ۱- قلم ۲- عکس ۳- تحقیق و پژوهش

مهلت ارسال آثار: ۱۵ اسفندماه ۱۳۹۶

از طریق: Maaf.NGO@gmail.com
Maaf NGO @MaafNGO2018

دبیرخانه: کوردستان، سنندج، خیابان شهید تعریف ساختمان زینار ۱، طبقه سنج، مؤسسه حقوقی ماف

سخن چیا

« من لافاویگی لاسارم »

شکست اخلاق ایمن مدعیان را نظاره کن، ببین چگونه همه‌چیز، همه کس، همه قوانین و تأویلات آنگاه که به تو می‌رسند رنگ می‌بازند. کدام گناه تو را در این وادی کشاند و با کدام نفرین به مجهول قرن تبدیل شدی که در هیچ معادله‌ای نمی‌شود تو را کجاند؟ چند زخم دیگر را باید بر پیکرت تحمل کنی؟ چند خمپاره و چند بمب و چند تیر و چند طعنه دیگر مانده تا نباشی؟

خشمشان را می‌بینی، دندان بر هم می‌سایند و صدام وار چه بی‌شرم، دست به دامان اعتقادات دینی می‌شوند و کلام حق را به باطل نوید وحشیانه‌ترین اقدامشان می‌کنند. باشد که به یاری خداوند به سرنوشت داعشیان گرفتار آیند. آن لشکر سیاهی که وعده‌ها می‌دادند و در اولبشان ماندند. دیدی چه ها که نکردند و چه رکوردها از آهن و توب و بمب که ثبت نکردند و آخر که چه؟ نماد انسان بودن و آزاد زیستن را در هم کوبند تا مبادا آن قصص‌ها پوشالی‌شان نقش بر آب شود و دنیای مملو از عشق، حرمت و همزیستی مسالمت‌آمیز جای روزه گرگ‌هایشان را بگیرد و فاشیسیسمشان را در گور کشد. آنان سالیان است به جنگ آدمیت رفته‌اند. اردوغان صفتان سالیان است که زندگی را بر مردم منطقه حرام کرده‌اند. از همان زمان که خشت‌های سد آتاتورکشان را می‌بستند خواب خشک‌سالی و بدبختی و استثمار را برای ساکنین این خاور در خون غلتیده می‌دیدند که همان‌گونه نیز شد. صدها هزار هکتار از اراضی حاصلخیز میانرودان را بانگیزه‌های وحشیانه و سیاسی خود خشک کردند. آنان که معلوم نیست از کدامین جغرافیایند، اکوسیستم منطقه را سالیان است که رهم‌ریخته‌اند و هدیهٔ گِزگ قطعاً بوسه نخواهد بود. این گرگ‌صفتان که حتی در میان مردم خویش می‌درند و می‌کشند و خفه می‌کنند با خیال تاریخ ازدست‌رفته خلافت بر همه می‌خواهند دنیای ما را به فلاکت اندازند. دنیای مایی که فارغ از دین و مذهب و زبان و رنگ باهم زیسته‌ایم و دست‌هایمان نه در خون هم که در دست همه بوده است.

اردوغانیان تاب دیدن عفرین را در صلح و آزادی نداشتند و خواستند فتح کنند که فاتح باشند اما همان عشق‌های ماسیده بر چشم‌های آزاد دختران و پسران این سرزمین نخواهند گذاشت در آن تخم نفرت پرانکند شود. اینجا سرزمین مهریانی است و در آن جز عشق نخواهد رویید. همان دست‌های نرم و لطیف کره‌خورد بر سلاح‌های حافظ سبک نخواهند گذاشت سیاهی سنگین بر سرنوشت کودکان آینده گسترده شود. آنان با آهن و فولاد و شخم و ما با موهای بافته‌شده زنان و آستین بالا زده مردانمان، عفرین را به گورستان، نه‌فقط لشکر سیاهی بلکه فاشیسم و تنفر تبدیل خواهیم کرد که ما همان صف و همان باورهای کوبانی هستیم. مگر می‌توان قامت آزادی را خم نمود، مگر می‌شود جلوی تلالو آزادی را گرفت و مگر ایرها تا همیشه جلوی آفتاب را خواهند گرفت تا نتابند، مگر می‌شود زن را از زایش و آفرینندگی و مرد را از استقامت و "

به رخدادن " انداخت، مگر می‌توان جلوی سیل انسانیت را بر پهنه این سرزمین گرفت و یک‌پا قدم و فقط یک‌قدم این چشم‌سار دموکراسی و آزادی را به عقب برگرداند؟

بگذار همه بدانند آنچه بر عفرین می‌گذرد جنگ همیشگی خیر و شر است، شر با همدستی اشرار قلدر و بی‌اخلاق و خیر بافکری الامال از مهرپانی و همزیستی و عدالت. در این جنگ همان‌گونه که همیشه تاریخ ثابت کرده و وعده داده‌شده آنچه نقش بر زمین است نه جنازه پیر و جوان و کودک زیر باران بمب و خمپاره بلکه نعش متعفن سردمداران عصر و دشمنان آزادی است. ما نیز سرباهیمان بلااست و آزادی را و راه پرافتخار مریدن را فریاد می‌زنیم که حاضرند نمیرند اما زیر بار سیاهی نروند. ما نیز عفرینیم. ما نیز همان سیل آزادی‌خواهی و انسانیتیم.

مردم آگاه و شرافتمند کوردستان! همان‌گونه که واقفید بیش از ده روز است که ارتش تادندان مسلح ترکیه با همراهی بخشی از گروه‌های تروریستی – تکفیری، حمله‌ای همه‌جانبه و گسترده علیه مردم مظلوم و بی‌پناه عفرین در کوردستان سوریه را آغاز نموده است. این یورش خفت‌بار در شرایطی صورت می‌گیرد که مدعیان صلح و حل مسالمت‌آمیز بحران سوریه در شهر سوچی روسیه در اجلاس‌ی به‌اصطلاح صلح!ا گرد هم آمده‌اند. تجاوز آشکار دولت ترکیه به خاک کوردستان، برخلاف تمامی کنوانسیون‌های بین‌المللی است و همکان به این امر واقف‌اند که از زمان حکمرانی نیروهای محلی در کوردستان سوریه، کوچک‌ترین تهدیدی

در یک ماه گذشته دو خبر خوب در حوزه پرزنده‌نگری برای تیم تخصصی پرزنده‌نگری انجمن سبز چیا اتفاق افتاد و اعضای انجمن افتخاراتی را کسب کردند. در مسابقهٔ کشوری عکاسی از تالاب‌ها، که به مناسبت روز جهانی تالاب‌ها برگزار شد، آقای جلال پزّشک و شیرکو کانی۷سانانی درخشیدند و همچنین در سوپلی آقای محمد سفرنگ به‌عنوان یکی از اعضای اصلی کمیته کشوری ثبت پرندگان انتخاب شد.

اعضای انجمن سبز چیا در مسابقهٔ کشوری عکاسی از تالاب‌ها، که به مناسبت روز جهانی تالاب‌ها برگزار شد، خوش درخشیدند. در این مسابقهٔ آقای جلال پزّشک عضو تیم پرزنده‌نگری انجمن سبز چیا، با تصویری زیبا از تالاب زرّیبار (لانه کلک‌ک سفید به همراه دو جوچه در چشم‌انداز زرّیبار) موفق به کسب مقام

»

دیمه فتنی

دیر زمانی بشر از راه شکار حیوانات نیاز غذایی خود را به دست می‌آورد، بعدها با اهلی کردن حیوانات و کاشتن دانه‌ها که منجر به انقلاب کشاورزی شد و کم‌کم زمینه یکجانشینی برای انسان با تأمین غذا و سرپناه فراهم شد. در ادامه روستاها و بعدتر شهرها شکل گرفتند و شیوه معیشت بشر تغییر کرد. باین‌وجود هنوز عده‌ای نه برای نیاز بلکه برای تفریح به شکار می‌پردازند و گاه این کار با بی‌رحمی تمام صورت می‌گیرد، گسترش روزافزون تخریب و در کنارش معضل شکار باعث شد تا دوستداران محیط‌زیست به فکر چاره‌ای باشند و منتظر دولت و قوانین مشوق شکار در کشور نیاشند.

انجمن سبز چیا در ابتدای شکل‌گیری خود همواره در پی مسلط کردن گفتمان زیست‌محیطی خود بود، بر همین اساس در سال ۱۳۹۰ کمیته آموزش انجمن بیشتر فعالیت‌های خود را مظلوف به مبارزه با شکار نمود و در این راستا اعضای کمیته آموزش چیا با حضور مستقیم در بیش از ۱۸۰ روستای میروان و هورامان به فعالیت‌های آموزشی پرداخت. در این آموزش‌ها از سخنرانی در مساجد، میادین روستایی، مدارس و منازل مردم، چاپ و پخش تراکت و بروشور آموزشی، نصب بنر، چاپ و توزیع بیش از ده هزار پوستر با عنوان «نگذاریم لحظه‌ای تفریح شکارچی، سرزمینی را تا ابد جریحه‌دار کند»، انتشار بیانیه، برپایی نمایشگاه عکس و نقاشی، اجرای تئاتر برای کودکان و بزرگسالان، نمایش فیلم، تهیه کلیپ آموزشی (شایان‌ذکر است یکی از همین کلیپ‌های آموزشی در سال جاری از سوی انجمن‌های مردم‌نهاد جایزه دیپلم

آفرینندگی و مرد را از استقامت و "

زلزله یک رویداد طبیعی_طبقاتی است که تلفات ناشی از آن تنها به قهر طبیعت باز نمی‌گردد. شدت و ضعف و خود رخداد زلزله فقط بخشی از واقعیت را بازگو می‌کند. هنگام بروز حوادث طبیعی از یک سو گسسل‌های جغرافیایی اعماق زمین و از سوی دیگر گسل های اجتماعی سطح زمین فجايع انسانی به بار می‌آورند. اگر نظام های سیاسی و اقتصادی تأثیرات مستقیمی برلایه های زیرین زمین نداشته باشند، بدون شک به طور مستقیم و غیر مستقیم بانى و باعث واقعیاتی هستند که بر گرد کُره ی خاکی می‌گذرد. میزان خسارات وارده متفاوت در نقاط مختلف را بایستی توسط علم اقتصاد سیاسی توضیح داد. این که قسمت زیادی از ویرانی‌ها و تلفات جانی در منازل تازه ساخت و محله های تازه تاسیس روی می‌دهد، نشانگر آن است که این موضوع بررسی‌های وری واکاوی خانه‌های فرسوده و قدیمی شهرها و یا منازل کاه گلی و خشتی روستاها را می‌طلبد. ساختار سود محور اقتصادی و

متوجه منافع ترکیه نشده است. تجربه مدیریت سیاسی رژژاوا در چند سال اخیر نشان داده است که می‌توان با اراده مبتنی بر خود، برخلاف نظم نوین جهانی حرکت کرده و معادلات ابرقدرتها را بر هم زد، قدرت‌هایی که در فکر فروش مدرن‌ترین سلاح‌ها، تأمین منافع اقتصادی، سیاسی دول متبوعشان، در خاورمیانه و سایر نقاط جنگ خیز جهان هستند. این حملات مصداق بارز عریذه‌کشی فاشیسم در منطقه است که عواقب آن بی‌گمان دامن‌گیر سایر نقاط خواهد شد. سکوت معنادار جهانیان در برابر این تجاوز آشکار و قتل‌عام مردم غیر نظامی منطقه عفرین، دگریار اسم باسماى "سازمان دول متحد" را برای همگان علی‌الخصوص

در یک ماه گذشته دو خبر خوب در حوزه پرزنده‌نگری برای تیم تخصصی انجمن سبز چیا اتفاق افتاد و اعضای انجمن افتخاراتی را کسب کردند. در مسابقهٔ کشوری عکاسی از تالاب‌ها، که به مناسبت روز جهانی تالاب‌ها برگزار شد، آقای جلال پزّشک و شیرکو کانی۷سانانی درخشیدند و همچنین در سوپلی آقای محمد سفرنگ به‌عنوان یکی از اعضای اصلی کمیته کشوری ثبت پرندگان انتخاب شد.

اعضای انجمن سبز چیا در مسابقهٔ کشوری عکاسی از تالاب‌ها، که به مناسبت روز جهانی تالاب‌ها برگزار شد، خوش درخشیدند. در این مسابقهٔ آقای جلال پزّشک عضو تیم پرزنده‌نگری انجمن سبز چیا، با تصویری زیبا از تالاب زرّیبار (لانه کلک‌ک سفید به همراه دو جوچه در چشم‌انداز زرّیبار) موفق به کسب مقام

»

رویداد (رووداو)

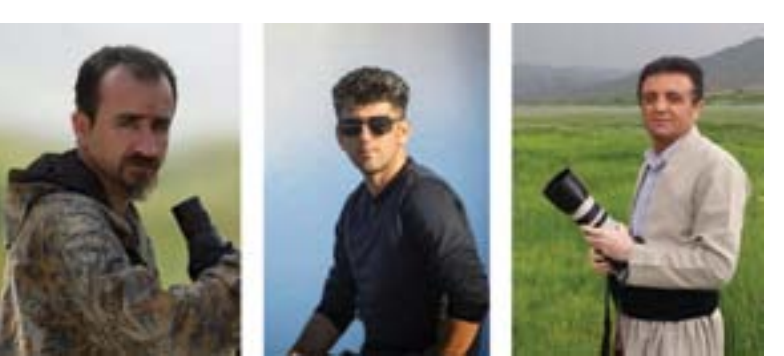
» یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ » سال سوم » شماره ۲۸

بیانیه شورای هماهنگی انجمن های مردم نهاد میروان درباره عفرین

ملت‌های بی‌دفاع را تداعی می‌کند. هرچند تجاوز ارتش ترکیه و مزدوران موردحمایتش در این چندروزه با مقاومت هوشیارانه ملت کُورد در عفرین مواجه شده است؛ اما بمباران‌های کور هواپیماها و توپخانه‌های ارتش ترکیه تاکنون جان ده‌ها نفر از مردم بی‌دفاع عفرین را گرفته است و در صورت ادامه این تجاوزات هوایی و یا سقوط عفرین، خطر نسل‌کشی و قتل‌عام شهروندان مدنی کورد، عرب و دیگر اقلیت‌های ساکن در منطقه عفرین دور از انتظار نخواهد بود. لذا ما شورای انجمن‌های مردم‌نهاد شهرستان میروان، ضمن محکومیت شدید تجاوز ارتش ترکیه به خاک کوردستان سوریه، از تمامی جوامع حقوق بشری و دولت‌های

»

افتخارآفرینی اعضای انجمن سبز چیا



سوم عکس برتر تالابی شدند.

حدود ۱۵۰ نفر با ارسال ۱۵۰۰ تصویر، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران را همراهی کرده و در مسابقه شرکت نمودند که در پایان ۲۹ عکس از تصاویر منتخب ارسالی

»

جنش « چه کی سه وز»



افتخار را دریافت کرد) و پخش آن پرداخت. این آموزش‌ها مردان، زنان و کودکان و نوجوانان را شامل می‌شد. قبل از اینکه چیا آموزش‌های خود را آغاز کند هنوز بی‌رحمی در حد کسب‌دردهای در حق حیوانات اعمال می‌شد، حتی عده‌ای پای پرندگان تالاب زرّیبار را که در زمستان یخ‌بسته بود زنده‌زنده قطع می‌کردند و شکارچیان باافتخار در کنار لاشه حیوانات عروسک یادگاری می‌گرفتند و شکار بی‌رحم در جریان بود. دولت هم با تمام توان خود در خدمت شکارچیان بود، با دادن مجوز شکار و واگذاری فشنگ به هرکسی که ثبت‌نام می‌کرد، سهم بسزایی در نابودی محیط‌زیست ایفا می‌کرد، اما خوشبختانه این آموزش‌ها سرآغاز جنبشی شد که هم‌اکنون نیز ادامه دارد. **جنش «چه کی سه‌وز» (بعد از حضور تیم آموزش در روستای «ده۷روکی» هورامان که منجر به شکستن تفنگ شکاری توسط آقای «احمد عزیزى»**

خاورمیانه مدعی دفاع از انسانیت و وجدان‌های آگاه در سراسر جهان و به‌طور احص از مردم فهیم کوردستان و شهرستان میروان خواهیم، سکوت را اختیار نکرده و به هر صورت ممکن در مقابل این تجاوزبی‌شرمانه واکنش نشان دهند، چراکه بی‌تفاوتی ما از نظر تاریخ به تأیید این حملات ترجمه خواهد شد، بنابراین لازم است که خود را شرمنده تاریخ نکنیم و به جد در فکر واکنشی درخور این جنایات باشیم.

»

شورای هماهنگی انجمن‌های مردم‌نهاد میروان ۱۰ بهمن ۱۳۹۶

»

کانی۷سانانی دیگر عضو تیم پرزنده‌نگری چیا به همراه آقای جلال پزّشک به بخش نمایشگاه راه یافت.

مسابقه عکاسی از تالاب با محورهای: خدمات، کارکردها، فرصت‌ها و تهدیدات تالاب و ارتباط آن با زندگی شهری و روستایی و انسان‌ها که از سوی دفتر طرح تالاب‌های کشور در هفته اول بهمن‌ماه سال جاری برگزار شد.

در ادامهٔ فعالیت‌های تخصصی پرزنده‌نگری ر انجمن سبز چیا با توجه به توانای و تخصص آقای محمد سفرنگ از ایشان به‌عنوان یکی از اعضای اصلی کمیته کشوری ثبت پرندگان دعوت به عمل آمد.

در پایان انجمن سبز چیا این افتخار را خدمت این بزرگواران ، اعضای این انجمن و مردم شریف میروان، صمیمانه تبریک می‌گوید.

»

این عمل‌گرایی و دلسوزی چپایی‌ها بود که اعتماد مردم را جلب کرد تا آنجا که دیگر شکارچیان قهرمانان سابق نبودند و حتی اندک شکارچپانی که به شکار خود ادامه دادند، دور از انظار مردم و مخفیانه به شکار می‌روند، چراکه امروز شکار و بی‌رحمی با حیوانات به امری ضد ارزش و مذموم غذا و نگوشته و فوادمش می‌شود. فلسفه آموزشی چیا به این باور متکی بود

که باوجود همه بحران‌ها و خشونت‌ها می‌توان روی جنبه‌های مثبت افراد تکیه کرد و باور به اینکه انسان همان‌گونه که به تخریب محیط‌زیست پرداخته است، می‌تواند ناجی آن‌هم باشد. بر این اساس بود که پس از اقصاع عده‌ای از شکارچیان دلسوز به پشیمانی از شکار، آن‌ها را سازمان داده و در قالب دو کمیته بهنام‌های؛ پرزنده‌نگری و حمایت از حقوق حیوانات به خانواده چیا افزود.

اعضای این دو کمیته که شکارچیان دیروز و فعالان محیط‌زیست امروز هستند، ناهب‌حال توانستند کارهای ارزشمندی انجام دهند، ازجمله ثبت و رکورد بیش از ۲۳۵ گونه پرندگان بومی شکارچیان به‌صورت گروهی با قفس پرندگان آزادشده در طبیعت آتش نوروز را آفرورختند. و پس‌ازآن شکارچیان از مشهد تا بلوچستان و سایر نقاط ایران مخصوصاً در کوردستان اقدام به شکستن تفنگ‌ها و ادوات شکاری خود کردن دو مدام در مناطق مختلف این گفتمان چیا را می‌ستودند. در این میان عده‌ای از افراد و حتی سازمان‌ها تلاش نمودند که این جنبش تازه‌پا گرفته را به رفتارهای شخصی تقلیل دهند و نقش انجمن سبز چیا را نادیده بگیرند یا آن را استفاده درست و منطقی بر اساس توان آن‌ها به رونق اشتغال، رشد اقتصادی و حتی توسعه پایدار از طریق توسعه اکو توریسم با توجه به ظرفیت‌های طبیعی موجود دست‌یافت.

»

با زیر بنای کم، اجاره نشینی و خانه به دوشی، محرومیت از شریان های حیاتی (آب_برق_گاز)، زندگی در بافت های نیروی کار لازم برای صنعت را فراهم می آورد و در کنار آن نیز بافت شهری را به نفع خود بازسازی می کند. سرمایه از طرفی با اجرای پروژه های اعیان سازی اقشار فقیر و سرمتکش را از مناطق تجاری و مراکز شهرها می راند، و از طرف دیگر با ساخت مسکن های حداقلی در پی آن است که هم نیروی کارش را در حواشی شهرها و نزدیک مراکز تولیدی ساکن کند و هم سود کلانی را از تجارت و تولید انبوه آلودنگ های محقر به جیب زند. بنابراین اهدافی چون سرعت بخشیدن به گردش سرمایه و افق طقات فرودست جامعه موجب می شود که، بخش زیادی از اسبابها در کوی ها و شهرکهای کارگری ای بسر ببرند که مطابق معیارهای استاندارد ساختمان سازی برپا نشده و از کمترین امکانات و خدمات شهری برخوردارند. خانواده های بی سرپناه، زندگی خانوارهای پر جمعیت و گاه دو خانوار و حتی بیشتر در منازلی



خلاقیت‌سیم و سلاخی انسانیت در عفرین

ادامه از صفحه ۱

از سوی دیگر دولت‌های قاره سبزا با مشکلات عدیده‌ای در درون خود مواجه‌اند که مجال و فرصت کافی برای نشان دادن واکنش جدی و فعال و دامنه‌دار و پیکیر در سوریه را از آن‌ها ستانده است مشکلاتی از قبیل قحطی شدن تقریباً بخش‌های بزرگی از اروپا به خاطر ظهور موج ناز‌های از ناسیونالیسم و همچنین بحران اقتصادی و مزید بر آن بحران مهاجران نیز هرکدام به‌نوعی اروپا را به چالش کشیده است که انگیزهی لازم برای واکنش در مقابل آنکارا نداشته باشد و مالا آنکه از آنجا که قدرتهای عمده اروپا از اعضای ناتو میباشد، هیچ تمایلی برای مداخله در بحرانی که ترکیهی عضو ناتو در آن درگیر است، ندارند. سوم، تأیید ضمنی و عملی دولت‌های منطقه نیز عامل دیگر تاخّت‌ناز ترکیه در اشغال نظامی سوریه است از یک‌سو دولت‌های منطقه با ساختارهای سیاسی کاملاً اقتدارگرا و پیشامدرن هیچ سمپاتی و درک صحیحی از مطالبات سیاسی کردها ندارند و بنابراین سرکوب آن‌ها توسط ترکیه برای آن‌ها اساساً قابل‌توجه نیست از سِوی دیگر هرکدام از کشورهای منطقه در التهاب بحران‌های سیاسی داخلی خویش درگیرند در عریستان جدای از جنگ قدرت میان بلوک‌های داخلی که فرجام آن نامعلوم است با بحران یمن و همچنین پوست‌اندازی خود جامعه‌اش نیز درگیر است در ایران نیز حاکمیت جدای از اینکه به دلایل ساختاری با بقای موجودیتی سیاسی تحت هر عنوانی در داخل کشور «دوست و برادر دیرینه» یعنی سوریه مشکل‌دارند و رفع و منتفی شدن چنین موجودیتی سیاسی را در تحلیل نهایی در راستای بقا و تقویت حاکمیت ملی در دمشق میدانند. درعین‌حال نیز نسبت به حضور ترکیه در سوریه مشکل خاصی به نظر نمیرسد که داشته باشد. ایران نیز در تأمل ژرف می‌داند که اگرچه به‌ظاهر حضور ارتش ترکیه ممکن است سبب شود تا بر اقتدار آنکارا بیفزاید اما ترک‌ها نیز در نهایت با اقت مشروعیت و جایگاه در منطقه و جهان روبرو خواهند بود و به‌عبارت‌دیگر حضور منزجرکننده ترک‌ها در سوریه طی روزه‌های اخیر کاملاً سبب شده است که موضوع حمایت‌های ایران از سوریه تحت‌الشعاع قرار گیرد و بسیار کم به چشم آید.

چهارم اینکه سازمان ملل و نهادهای مدافع حقوق بشری در جهان به آخرین حد ممکن تهی از کارآمدی و معنا شده‌اند که این ناکارآمدی هم به دلیل مشهور ملل متحد و هم فقدان بک دبیر کل کارآمد است

و سرانجام اردوغان در چنین فضایی از استیصال و بی‌تفاوتی جهان دست بکار اشغال سوریه زده است اما انگیزه‌های وی برای ورود به سوریه و تراژدی در عفرین سه دلیل عمده دارد:

۱. اردوغان به‌کرات در موضع‌گیری‌های رسمی و غیررسمی خود عنوان کرده است که به دنبال احیای خلافت اسلامی است که مرزهای این خلافت هرگز محدود به جغرافیای سیاسی ترکیه امروز نیست و در آثار تمامی اپیدولوگ‌های اسلام‌گرای سلفیسم در شرق اسلامی و عربی به‌طور ضمنی به این امر اشاره‌شده است که مریدان خلافت با صراحت لهجه از تسخیر دوباره ی غرب و تکرار حماسه‌ی صلاح‌الدین ایوبی و تصاحب اروپا سخن گفته‌اند.

۲. شخص اردوغان دچار افسارگریختگی روانی است و اولین قربانی این روان‌پریشی‌اش خود وی است با استناد به واژگانی که در اعلام مواضع رسمی‌اش بروز داده است وی از رویکرد آموزه‌های روانکاوی و روانشناسی درگیر با سه گونه از آسیب‌های روانی است:

اول آنکه با استناد به گفتارهای خود وی و به نقل از خود وی که گويا شيخ سعيد نورسی در رؤيا بر وی واردشده و وی را حامل رسالتی اسمانی برای نجات مسلمین و اسلام خطاب قرار داده است، این امر بروی مشتبه شده است که رسالتی پیامبرگونه دارد و این نقیصه‌ی روانی و ذهنی در کنار پاره‌ای دیگر از رفتارهای وی از قبیل احداث کاخ هزار اتاقی و همچنین کیش شخصیتش همه حکایت از آن دارند که وی مبتلا به‌نوعی بدخیم از نارسی سببم **ی خودشفتگی** تشخیص است.

دوم آنکه با استناد به عباراتی از خود وی ازجمله اینکه ما مخالفانمان را در کابل‌هایشان دفن خواهیم کرد و همچنین اصرار ورزیدن‌های زیاده از حدشان برای دستگیری و زندانی ساختن خبرنگاران و روزنامه‌نگارانی خارجی که در کشورهای دیگر علیه وی و اندیشه‌هایش سخن گفته‌اند، صادقانه دلالت بر آن دارد که ایشان علاوه بر ابتلا به خودشفتگی به عارضه دیگری تحت عنوان عارضه **انکار** نیز مبتلا هستند که فرد مبتلابه این عارضه تحمل هیچ‌گونه سخن مخالف خود را نداشته و همواره در قهري کودکانه با محیط اطرافش رفتار می‌کند

سوم که به‌مراتب بسیار از ده عارضه‌ی روانی قبلی مخاطره‌آمیزتر است اینکه وی به‌کرات در مقابل دوربین‌های خبری و در برابر دید جهانیان با تأکید از دشمنانی که قصد نابودی ترکیه را دارند سخن گفته است و جالب آنکه بخش عمده‌ای از این دشمنن که مدام وی از آن داد سخن می‌دهد همان اعضاء ناتو و متحدان استراتژیک ترکیه‌اند.

جدای از این سه عارضه‌ی روانی که وی را مساعد توسل به جنایت و فاجعه ساخته‌اند همان‌گونه‌که ذکرش آمد وی قویاً تحت تأثیر باور مطلق‌العنان به مفاهیم و آموزه‌های خلافت خود را متصل به آسمان دانسته و مطلقاً برای خویش حق مطلق قائل است، و دردا و حسرتا که فاجعه و تراژدی عفرین که جهان در قالب سلاخی انسانیت شاهد آن است برآیند مجموعه‌ی عوامل مذکور است.



■ **عرفان حسینی**

کشور ایران یکی از مناطق مهم زلزله‌خیز دنیا محسوب می‌شود و اکثر شهرهای ایران در معرض خطر جدی زلزله مخرب و ویرانگر قرارداشته و عدم رعایت مقررات ایمنی در ساخت‌وسازها، این خطرات را به‌صورت تصاعدی افزایش داده است همچنین استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی، تخریب جنگل‌ها و عدم التزام به مراعات مسائل زیست‌محیطی، بسیاری از مناطق ایران را در برابر خطر سیل آسیب‌پذیر ساخته است و به همین نحو خطر طوفان، صاعقه و سایر حوادث غیرمترقبه که افزون بر سی مورد می‌شود، جدی و قابل‌تأمل است. بنا بر همین مقولات ایران جزو ده کشور حادثه‌خیز مهم دنیا به شمار می‌رود. پس با این اوصاف «ظهور من الشمس» است که پیشگیری قبل از وقوع حادثه امری ضروری،کنه‌زیننه و مقدم بر امداد و نجات است و سایر مسائل و مشکلات پس از حادثه هست و به این نکته توجه داشته باشیم که حادثه هیچ‌گاه خبر نمی‌کند.

ما به مرگ انسان‌ها به هنگام بروز زمین‌لرزه پیش‌ازحد عادت کرده‌ایم، حال باید بیاموزیم که چگونه آنان را به هنگام زلزله، زنده نگاه داریم.

اصولاً برخورد ما با مسئله زلزله باید به‌کلی تغییر کند. اینکه وقتی حادثه‌ای رخ داد سازمان‌ها و نهادهای گوناگون بسیج شوند، امداد لازم را برسانند و بعد هم بروند دنبال کارشان، درست نیست این رویه باید تغییر کند. به زلزله یا پدیده‌هایی مانند آن نباید رخ می‌داید نگاه کرد. این پدیده‌ها هر بار که ناپود می‌کردند،گسست ایجاد می‌کردند و تمدن و پیشرفت را به عقب می‌انداختند . هر ده – دوازده سال یک‌بار در ایران یک زلزله مهم اتفاق می‌افتد

پس می‌توان از نظر جامعه‌شناسی، جامعه ایرانی را جامعه‌ی پرامنه در دل فاجعه‌های طبیعی نامید یعنی جامعه‌ای که زندگی اجتماعی آن در طول تاریخ درازمدتش در دل فاجعه‌های طبیعی شکل گرفته‌است.

با چنین دریافتی، زلزله و دیگر بلایای طبیعی را باید امری مستمر دید و باید برنامه‌ریزی خاصی داشت. زلزله‌یک پدیده



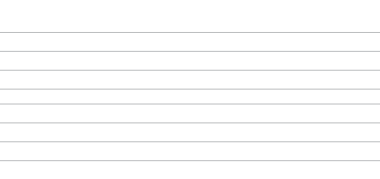
■ **ترگس رفیعی**
کوه اولین موج‌ساز است که با پژواکش جواب انسان را داده و با او حرف زده

است. به همین علت بشر از

ابتداکوه را دارای یک نیروی مافوق انسانی تصور کرده و برایش احترام خاصی قائل است. استواری،تغییرناپذیری و خلوص در کوهستان معنا می‌شوند. در ادبیات و فرهنگ‌عامه، خورشید در پس کوه غروب می‌کند. در بیشتر نقاشی‌های کودکان کوهی حضور دارد و بر فراز این کوه همیشه خورشیدی در حال درخشیدن است. اینکاهای برای عبادت بزرگ‌ترین خدای خود، خورشید، عبادتگاه‌های بزرگ و چندین طبقه هرم مانند می‌ساختند که نمادی از کوه و آسمان بود.

زویای قابل بررسی درباره‌کوه‌ازمنظرعلمی، تاریخی، حرفه‌ای، جغرافیایی و محیطی بی‌شمارند. در این مقاله کوه از منظر نمادشناسی در فرهنگ‌های گوناگون جهان موردتوجه است وبه‌اختصارمعرفی شده‌اند. در گرافیک، یک مثلث متساوی‌الساقین ترسیم می‌شودکه نشان‌دهنده‌هم‌ترازی و توازن معنا و کارکرد این پدیده طبیعی در نگاه بشر است. نمادگرایی کوه، چندوجهی است و از طریق ارتفاع و مرکز آن بررسی می‌شود. از آنجا که کوه، عمودی، مرتفع و ایستاده است، به آسمان نزدیک می‌شود و درون‌مایه‌ای از مساوره دارد. کوه مرکز نخله‌های عرفانی و محل اقامت چند مظهر الله بوده است، با مفهوم ظهور پیوند دارد. کوه ملتقای آسمان و زمین، جایگاه خدایان و غایت عروج بشر است. با نگاه از بالا همچون توک یک شاقول، مرکز دنیا است و با نگاه از پایین، از خط افق، همچون یک خط عمود، محور دنیا است. یک نردبان یا سراسیمه‌ی متقابل به یک‌طرف است.

همه کدشورها، اقوام و بیشتر شهرها، کوه مقدس دارند. سومری‌ها از نخستین اقوام متمدن جهان و صاحب و پایه‌گذار دانش‌اند. این قوم در هزاره ششم پیش از میلاد مسیح (ع) مخترع خط میخی، علم اعداد و زمان، ازجمله تعداد روزهای سال، در سعات بوده‌اند. فرهنگ سومر، کوه را توده اولیه نامتمایز یا تخم کیهان می‌دانند. در آیین بین‌النهرین و ایلامی، اماکن مقدس به شکل زیگورات ساخته می‌شدند و ارویا، در قله آن قرار می‌گرفت. الهه بزرگ این سرزمین‌ها بانوی کوه بوده، زیرا کوه‌ها



دیدگاه (روانگه)

■ یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ ■ سال سوم ■ شماره ۲۸ ■

نقش فضای سبز در کاهش خسارات و صدمات زلزله



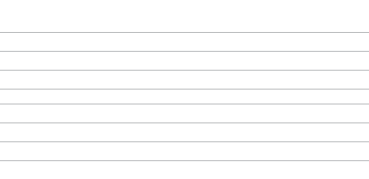
به خود تسلی داده و احساس می‌کنیم رسالتمان به پایان رسیده و بعد از مدتی هم دچار فراموشی می‌شویم. به هنگام وقوع زلزله، مکان حادثه به ترفیک رفت‌وآمد فرمایشی و عوام‌فریبی دولتی‌ها تبدیل شده و دوباره هیئت دولت اقدام به مصوب نمودن مبلغ ناچیزی به‌عنوان وام به حادثه دیدگان می‌نماید که باهاش فقط می‌توان اتفاقی ساخت و دیگر هیچ. فرد حادثه‌دیده ناچار است از چنانی از سوی دولت صورت‌گرفته است؟ آیا نهادهای متولی به‌عنوان پیکره‌ای از دولت به هنگام اجازه ساخت‌وساز غیرمجاز، خود در توزیع مرگ شهروندان سهیم نیستند؟ آیا من مهندس، پیمانکار، ناظر، جوشکار، بسازوبفروش و ... به‌عنوان شهروندان، آن‌چنان‌که بایدوشاید برای زندگی خود و دیگران ارزش قابل شده‌ایم که به این سادگی نظاره‌گر مرگ هم‌دیگر نباشیم؟ آیا من کارفرما این را حق خود دانسته‌ام که از مهندس ناظر خود بخواهم در حین اجرا، نظارت بر ساختمان داشته باشم و از استادکاران ماهر و مجرب و داری کارت مهارت فنی استفاده نمایم و این امور را تشریفاتی تلقی نمایم؟ یا اینکه پس از وقوع زلزله، شروع به شیون و زاری، ابراز تأسف و ناسزا گفتن به زمین و زمان نموده و نهایتاً با تغییر عکس پروفایلمان

در کاهش اثرات زلزله می‌پردازم. امروزه مفهوم شهرها بدون وجود فضای سبز مؤثر در اشکال گوناگون آن قابل‌مقایسه نیست. شهرها به‌عنوان کانون‌های تمرکز فعالیت‌وز زندگی انسان‌ها برای اینکه بتوانند پایداری خود را تنظیم کنند چاره‌ای جز پذیرش ساختاروکارکردی متأثر از دستگاه‌های طبیعی ندارند. در این میان فضاهای سبز شهری به‌عنوان جزء ضروری ولاینفک پیکره یگانه شهرها در متابولیسم آن‌ها نقش اساسی را دارا هست که کمبود آن‌ها می‌توانند اختلالات جدی در حیات شهرها به وجود آورد.

با این تفاسیر نگاهی به شهر و محل سکونت خود بیندازیم و ببینیم آیا این‌چنین فضاهایی وجود دارند و چه نقشی می‌توانند در هنگام وقوع زلزله یا بعد از آن داشته باشند.

با توجه به اینکه شهر نگارنده مریوان هست و در این مدت نزدیک به سه ماه، چندین بار زمین لرزه اتفاق افتاده که سه مورد آن بالای ۵ ریشتر بود، شخصاً به عینه به نقش این فضاهای سبز و بازواقف بودم که این مهم می‌تواندبرای سایرشهرها هم قابل‌تعمیم باشد.

هر زلزله‌ای بی‌گمان پس‌لرزه‌هایی هم به دنبال خود دارد به هنگام وقوع زلزله در شهر مریوان، مردم فوراً از خانه‌ها خارج



نقش فضای سبز در کاهش خسارات و صدمات زلزله

و به بیرون و به ویژه این فضاها فرار می نمودند اما آنچه در این میان قابل‌توجه و تأمل بود محله‌هایی بود که در آن فضاهای سبز به میزان قابل‌توجهی وجود داشت که مردم بلافاصله وارد آن فضا شده و از رفت‌وآمد غیرضروری با اتومبیل و هجوم به پمپ‌بنزین‌ها که خود می‌توانست عامل ایجاد حوادث دیگری شود، اجتناب نمودند و این مهم در محلات میدان جهاد به سمت میدان نوروژ، میدان معلم، پارک شانو، فضاهای سبز و هرچند کوچک درون محله‌ای محلات بهاران و موسک ۲ به‌وضوح مشاهده نمود؛ اما خدایی ناکرده در صورت آمدن زلزله‌ای با ریشتر بالا حجم خسارات و تلفات در محلات حاشیه‌نشین شهر، محلاتی که ساخت‌وساز آن‌ها غیرمجازند و محلاتی که جزو بافت فرسوده می‌باشند بسیار بالا بود و به جرأت می‌توان گفت امداد و نجات در ساعات اولیه حادثه قفل شده و تقریباً در وقت طلایی حادثه نمی‌توان به کمک آسیب دیدگان شتافت. تصور کنید در شهری مانند مریوان که حدود ده هزار خانه غیرمجاز در آن ساخته‌شده این فاجعه چقدر تلفات به بار می‌آورد. وقتی بحث از ساخت‌وساز غیرمجاز است یعنی محلاتی که هیچ‌گونه فضای فرهنگی، آموزشی، تنفسی و سبز در آن‌ها وجود نداشته و این مسئله بر شدت فاجعه و تلفات می‌افزاید.

بر اساس آخرین آمار مرکز آمار ایران جمعیت ساکن در شهر مریوان ۱۵۱/۱۸۸ نفر هست و بر اساس آخرین آمار شهرداری مریوان در سال ۱۳۹۶ مساحت فضای سبز مریوان ۱/۰۵۶/۳۳۹ مترمربع بوده یعنی سرانه فضای سبز هر نفر چیزی حدود ۷ مترمربع می‌باشد که بر اساس مطالعات و بررسی‌های وزارت مسکن و شهرسازی، سرانه متعارف و قابل‌قبول فضای سبز شهری در شهرهای ایران بین ۷ تا ۱۲ مترمربع برای هر نفر است که در مقایسه با شاخص تعیین‌شده از سوی محیط‌زیست سازمان ملل متحد (۲۰ تا ۲۵ مترمربع برای هر نفر)، رقم کمتری است. درمجموع آنچه از دیدگاه محیط اجتماعی در ارتباط با فضای سبز



ایزد و محل زندگی و پرستش خدایان و قربانی کردن برای ایشان بوده است. به‌جز ناشناخته بودن کوه، وجود آتش‌فشان و ریزش کوه و مرگ آدمیان، هراسی را در دل مردم باستان ایجاد می‌کرده که خود از دلایل پرستش کوه نزد ایشان بوده است. میرچالیاده انسان‌شناس هندی اشاره می‌کند که آفتاب در میان کوهستان غروب می‌کند و راه مرده به جهان دیگر، همواره از آنجا می‌گذرد. لفظ معمول و عادی در زبان آشوری برای "مردن"، "به کوه آویخته شدن" است. بنا به معتقدات مردمی اورالی - آلتایی، راه مردگان جاده‌ای سریالایی در کوهستان است.

امروز در گوشه گوشه سرزمین ایران، یاران کوهستان، غایت مسیر خود را بر تارک هر کوه و تپه که برگردشان خودنمایی می‌کند می‌یابند. در کنار همراهی‌های خودجوش و فردگرا، از سال ۱۳۲۶ ورزش کوهنوردی ایران دارای تشکیلات رسمی گردیده و تا سال ۸۶، دگرگونی‌هایی را از سر گذرانده است. فدراسیون کوهنوردی و صعودهای ورزشی اکنون با توجه به ابعاد گوناگون فعالیت، طیف وسیعی از ورزشکاران را تحت پوشش قرار داده است.

میرچالیاده معتقد است‌که بلندی معابد و پرستشگاه‌ها با پله‌های بسیار، الهام‌گرفته از کوه و معنای نهفته در آن یعنی دور از دسترس ناسوتیان بودن و سر آسودن به لاهوت و کبریاست. رجوع به کلام قران و اتفاق آرا و اندیشه عرفان و سلوک در همه جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها، اشتیاق لمس تن کوهستان را در هر جوینده‌ای صدچندان می‌کند. حال که دستیابی به نتخات انس و دیدن چهره اعلاییان و کرویبان در روی زمین برای زمینیان فراهم‌شده است، کیست که تشنه هم‌نشینی با جاودانگی باشد و دعوت راهرو شدن در نردبان فرش به عرش را نپذیرد؟

■ **منبع:**

قران کریم؛ کتاب مقدس؛ اوستا؛ رساله قران تاریخ ادیان از میرچا الیاده؛ صوفیسم و تائوتیسم از توشیهیکو اینوتسو؛ فرهنگ نمادها از ژان شسوالیه و آلن گربران؛ مقدمه‌ای بر انسان‌شناسی دین از مهرداد عربستانی؛ نگاهی به تاریخ اندیشه در ایران از محمود کویر؛ وب‌سایت انسان‌شناسی؛ وب‌سایت فدراسیون کوهنوردی ایران؛ وب‌سایت ویکی‌پدیا؛ وب‌سایت- ancient symbols

استواری، تغییرناپذیری و خلوص در کوهستان معنا می‌شوند



است، حراء و کعبه در مکه، کوه مرکزی غالیا و کوه قاف در اسلام، کوه سفید سلتی ها، پتله تبتی، کوه‌هایی هستند که معتقدان کوه‌ها مرکز زمین‌اند. در مسیحیت، یوحنای قدیس و ترازی قدیسه، مراحل سلوک معنوی را به عروج از کوه تشبیه کرده‌اند و آن را جایگاه روح و کاخ درون توصیف کرده‌اند.

طور سسینا برای شیخ اشراق محل اشراق و نزد اسماعیلیان یک نماد باطنی ارجمند است. بودائیان به‌ویژه در ژاپن، کوه را واقعیت عمیق و طبیعت خاص انسان می‌نامند. مائوتسه می‌نویسد: اگر آسمان فروپفتند، بر کوه تکیه خواهد زد. کوه مانند یانگ نماد روح، سبکی، سختی، روشنایی، پُری، والایی ومانند این نماد تغییرناپذیری و ثبات است. لذا مردانگی و زنانگی را همراه هم دارد.

در مزامیر کوه شبیه قلعه و نماد امنیت آمده است. در داوران، پیدایش، حقیقال، یوبیل، خنوخ، کوه به معنای ناف زمین، ابدیت، کوه خدا، بهشت و در اشعیا و میکاه، مکانی آخرالزمانی است که خانه خداوند، بر کوه‌ها ثابت خواهد شد. در انجیل متی، لوقا و اعمال رسولان، درموظه‌ای از مسیح

اعتراض اصلاح مداوم است



عمومی که ساخته‌وپرداخته مدرنیته بودند بستری را فراهم نمودند تا انسان‌ها بتوانند اعتراض خود را نسبت به هر آنچه با آن مخالف بودند بیان دارند، در قرن نوزدهم بیشتر کشورهای اروپایی، راهپیمایی‌ها، اعتصابات، تظاهرات طی پنجاه تا صدسال به‌صورت امری متداول اما غیرقانونی باقی ماند، امری که گاه مورد پیگیری قانونی قرار می‌گرفت گاه با دخالت نیروهای مسلح شکسته می‌شد، گاه تحمل می‌گشت و همیشه محکوم و ممنوع بود اما بیشتر حکومت‌های غربی تحت‌فشار کارگران سازمان‌یافته‌ونخبگان پارلمانی آن‌ها در پایان قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم اعتصابات را قانونی ساختند، از آن زمان وضعیت‌هایی چون جنگ یا نظام‌های فاشیستی عادتاً این حق را ملغی می‌ساختند اما به‌طورکلی از آغاز قرن بیستم اعصاب‌باعنوان ابزاری برای کنش به‌صورت گسترده در دسترس بوده است.

طی قرن نوزدهم چند شکل دیگر ابتکار جمعی به وجود آمد، تظاهرات، میتینگ سیاسی حمایت‌شده و انگیزه‌تظلم خواهی با ظهورسیاست انتخاباتی توده‌ای آغاز شد، پذیرش فرضیه‌های مطرح‌شده توسط کمیته قیام در این قرن تعمیم یافت. از سوی دیگر اعتصاب عمومی، بست نشستن، در ذات خود مخلوق قرن بیستم هستند در این قرن کنش‌های جدیدی شکل گرفتند که مبتنی بر ابتکار جمعی بودند که به‌نوبه خود ناشی از آگاهی جمعی از وضعیت خود و ربط و بسط آن با اوضاع نظم سیاسی بود، افزایش جمعیت و شکل‌گیری شهرهای بزرگ شهروندان را به این امر آگاه ساخت که اعتراض به شکل گسترده می‌تواند بسی تأثیرگراتر از یک هواپیماریایی و یا عملیات مسلحانه باشد. درواقع تجربه آن‌ها از نتایج به بارآمده ناشی از رفتارهای واکنشی و خشونت‌آمیز باعث شده تا ادبیات اعتراض به سمت کاهش و حتی مقابله با خشونت گردد و تا جایی که دراین قرن جنبش‌های اعتراضی مسالمت‌آمیز گسترش یافتند. کنش بدون خشونت، عمل دستیابی به اهداف از طریق تظاهرات نمادین، نافرمانی مدنی، عدم مشارکت اقتصادی و سیاسی و روش‌های دیگر، بدون استفاده از خشونت است. مقاومت بدون خشونت تا حد زیادی مترادف

جریان جابجایی حکومت‌ها، گسترش ادیان و مذاهب، همواره خشونت بخش اتکارناپذیر بود خشونتی که واکنش تند نظم مستقر به‌حساب می‌آمد و در شرایط برقراری نظم و امنیت تاوان هرج‌ومرج و خشونت بر گردن پدیدآورندگان مدعت‌گران و مخالفان و معترضین بود امری که در عصر کنونی با تثبیت نظام جهانی به واحدهای سیاسی به‌شدت از آن پیروی می‌شود و حتی به شکل قانونی پذیرفته‌شده در آمده است که در ادامه به بحث و بررسی در مورد آن خواهیم پرداخت.

مدرنیته شروعی نو برای نگرشی نو به جهان بود جهانی که تا پیش از آن نظمی ثابت بود و هر آنچه در مورد آن انجام می‌شد توصیفی از این ایستایی و سکون بود واحترامی که به این وضع نهاده می‌شد و معمولاً آنچه به نام اعتراض خوانده می‌شود در اعصار گذشته به‌ندرت قابل وقوع بود، جهان مدرن با تعریف مجدد همراه بود. تعریفی نو از هستی از جهان و از انسان که عصری جدید از تحولات است به همراه داشت، عصری که تمام معادلات دوران گذشته را برهم زد و آگاهی موجب تغییرات وسیعی در روابط انسانی گردید، نظم قدیمی فروریخت نظام‌های سیاسی جدید شکل گرفتند روابط ارباب و رعیت و حاکم و محکوم ملغی گردید و دولت از سطح نظام‌های موروثی و استبدادی به دولت‌های مدرن با تفکیک قوا تغییر ماهیت و شکل داد و انسان به‌عنوان دایره، سوژه و فاعلی آگاه وارد معادلات شد و مراجع زمینی و فرامرینی قدرت فروریختند، دود شدند و به هوا رفتند. شهروند وارد ادبیات سیاسی شد و در نظم سیاسی نوین در برابر دولت شهروندان به‌جای تکلیف، دارای حقوقی بودند که بخشی از آن را به حاکمیت واگذار نمودند و در مقابل آن از حقوق گوناگون خود دفاع نمودند، نظم بورژوازی موجب شکل‌گیری شهرهای جدید وزندگی شهرنشینی شد و در این روال طبقات مختلف شکل گرفتند که بخشی از آن طبقات فعالی بودند که نیروی محرک و پیشرو در تحولات اجتماعی بودند. روشنفکران به‌عنوان مهم‌ترین بخش از جامعه نقش زبان آن را بر عهده گرفتند که وظیفه خود را نقد قدرت و وضع موجود می‌دانستند ابزارهای جوامع مدرن در کنار انتخابات، رفراندوم و منظومه دمکراسی به‌صورت جدی مطرح شد و وارد بخش‌های مهم اجتماع و فرهنگ مدرن و علی‌الخصوص هنر و ادبیات گردید، خیابان و فضاهای

حقوق طبیعی و مدنی است. در دوران کنونی در جهان غرب اعتراض به‌عنوان امری قانونی و متداول است که شهروندان هر کشور برای رساندن صدای خود به حاکمیت به خیابان می‌آیند خیابان به‌عنوان فضایی عمومی مکانی است برای نشان دادن اعتراض که گاه در سال میزان بسیار بالایی از این اعتراضات را در غرب می‌بینیم که متأسفانه رسانه‌های ما از آن‌ها با سوءبرداشت به دنبال تخریب وجهه غرب هستند اما واقعیت این است بخشی از نظام لیبرال دمکراسی در غرب به‌واسطه همین فضاهای آزاد و شنیدن صدای نقد و مخالفت پایدار مانده است و این اعتراض است که دولت را از کاستی‌ها و آسیب‌های موجود آگاه می‌سازد و دست‌آخر بر مبنای خواست مردم تسلیح اصلاح می‌شود و به اصلاح امور می‌پردازد، اعتراض اصلاح مداوم است در صورتی که از سوی حاکمیت شنیده و به رسمیت شناخته شود.

باشد، یا رقبا یا مردمی که تحت تأثیر موضوع قرار دارند. روش‌های اعتراضی اقناعی شامل: سخنرانی‌ها، گفتگوهای عمومی، دادخواهی‌ها، اعمال سمبولیک، هنر، راهپیمایی‌های منظم و دیگر گردهمایی‌های عمومی هستند که تمامی این‌ها نشان از نقش اعتراض در نظم نوین سیاسی است که بر اساس قوانین و عرف جدید به‌عنوان راهی آسان، کم‌هزینه، تأثیرگذار برای رسیدن به خواسته‌های نادیده گرفته‌شده و یا مخالفت با امری مورداستفاده واقع می‌شود اعتراض تجلی توجه به انسان به‌عنوان موجودی است که تفاوت‌ها و نظرات مخالفش در جامعه مدرن به رسمیت شناخته می‌شود، مبنای جامعه مدرن بر اصالت فرد استوار است فردی که صاحب تمایلات و کنش‌های طبیعی و متفاوت با هم‌نوعان خود است و حق دارد در فضایی آرام و به‌دوراز فشار و تهدید آن را بروز دهد و سیاست مدرن برآمده از دل این تصویر انسان زمینی با

مدخلی بر تبارشناسی تاریخی اعتراض در ایران



شیوه مجازات می‌شدند چنانکه در یک مورد در شهر شیراز که به کمبود غذا و قحطی اعتراضی در سطحی کوچکی صورت پذیرفت، عموی ناصرالدین‌شاه حکم به تخریب کامل شهر نمود و به خاطر التماس و وساطت بزرگان شهر، سرانجام به خفه کردن کدخدای محله شد داد (مارتین، ۱۳۹۰: ۶-۸۵) بدیهی است در دوره قاجار که همه صورت‌بندی‌های گفتمان تقدیس یافته با ادبیات الهیاتی، جای کمترین اعتراض و اپوزیسیون و ناخرسندی مگر در لفافه و آن‌هم در قالب شعر و طنز نباشد.

شیوه مجازات می‌شدند چنانکه در یک مورد در شهر شیراز که به کمبود غذا و قحطی اعتراضی در سطحی کوچکی صورت پذیرفت، عموی ناصرالدین‌شاه حکم به تخریب کامل شهر نمود و به خاطر التماس و وساطت بزرگان شهر، سرانجام به خفه کردن کدخدای محله شد داد (مارتین، ۱۳۹۰: ۶-۸۵) بدیهی است در دوره قاجار که همه صورت‌بندی‌های گفتمان تقدیس یافته با ادبیات الهیاتی، جای کمترین اعتراض و اپوزیسیون و ناخرسندی مگر در لفافه و آن‌هم در قالب شعر و طنز نباشد.

شیوه مجازات می‌شدند چنانکه در یک مورد در شهر شیراز که به کمبود غذا و قحطی اعتراضی در سطحی کوچکی صورت پذیرفت، عموی ناصرالدین‌شاه حکم به تخریب کامل شهر نمود و به خاطر التماس و وساطت بزرگان شهر، سرانجام به خفه کردن کدخدای محله شد داد (مارتین، ۱۳۹۰: ۶-۸۵) بدیهی است در دوره قاجار که همه صورت‌بندی‌های گفتمان تقدیس یافته با ادبیات الهیاتی، جای کمترین اعتراض و اپوزیسیون و ناخرسندی مگر در لفافه و آن‌هم در قالب شعر و طنز نباشد.

ضعیف و بی‌قوت بود بی‌شک ویرانی جهان بود... (غزالی، ۱۳۶۱: ۲-۱۳۱) با این توصیف در این گفتمان، رعیت بایستی و می‌بایست همیشه به اطاعت کردن، خراج دادن و ارج نهادن حاکم در قبال امنیت می‌انداخت. «قاضی [ساعد] گفت... که هر پادشاهی که قوی‌تر باشد و از شما خراج خواهد و شما را نگاه دارد بایست داد و خود را نگاهداشت... پس رسول ابراهیم [ینال] را بخواندند و جواب دادند که ما رعیتیم و خداوندی داریم و رعیت جنگ نکند» (بیهقی، ۱۳۵۰: ۳۰-۳۹) در همین راستا نیز ناصرالدین‌شاه در نامه ایی وظیفه حاکم و رعیت را در زمانه ایی که مفاهیم نواین امکان و احتمال به چالش کشیدن همه مفاهیم کهن رادارد این‌چنین یاد زایی می‌کند: «پس هر حکمی و هر کاری که دولت می‌کند و اجرای او را مصلحت می‌داند باید بداند که آن کار مصلحت مملکت و رعیت و دولت است و ابدأ چون و چرایی به زبان نیاروند». (صفا، ۱۳۵۵: ۱۳) جز اعتراض به نان و گرسنگی که آن‌هم به بلوای نان و نارضایتی سیاسی نیست و هر آنچه نیز که گاه‌ب‌گاهی گزارشی از اعتراض مرتبط به نان و خشک‌سالی و گرسنگی شده با شیعیترین شیوه، سرکوب و عقوبت شده است.

بدیهی است در این گفتمان شبانی، هر نوع اعتراض، شورش و خیزش نه‌تنها پذیرفتنی نیست بلکه حتی ناشناخته و به حاشیه رانده‌شده است و چنانکه اشاره شد حتی کمترین اعتراض به مسائل حیاتی از جمله گرسنگی با شدیدترین واکنش‌ها مواجه شده است. مشروعیت بخشی به این گفتمان چنان صلب و دیرینه سازانه بوده که اعتراض‌ها در دوره ایی که حتی ایران مواجه با حضور و ورود مفاهیم نواین است باز ناآشنا و نپذیرفتنی است و با واژگان و مفاهیمی چون بلوا، آشوب و ناآرامی تعبیر شده و عاملان با سخت‌ترین

در تاریخ این مملکت، نقطه عطفی در تاریخ اعتراض و حضور گسترده و همگانی مردم در حوزه سیاست و اعتراض به تمامیت‌خواهی و وضعیت نابسامان سیاسی است. در بحران تنباکو، ما برای نخستین بار شاهد حضور مردم در یک امر سیاسی با مساعدت رهبران دینی در اعتراض به تصمیم‌گیری سنت خودسرانه قدرت و سلطنت هستیم. امری که به خاطر دگرذیسی در مفاهیم سیاسی و صورت‌بندی گفتمان مدرن سیاسی، شاه ناتوان از تخریب و عقوبت مردم، با مفاهیم کهنه و بی‌اعتبار شده اغتشاش و فتنه و بلوا است.

نخستین حضور گسترده و سیاسی مردم در یک اعتراض عمومی و عقب‌نشینی شاه در بحران تنباکو، نشانگر دگرگشت مفاهیم سیاسی و ضرورت حضور مردم در امر سیاسی، حوزه عمومی و مهم‌تر از همه ساختار قدرت بود چنانکه در دوره مظفرالدین‌شاه، ایران شاهد اعتراضات گسترده و حضور مردم و رشد نسبی آگاهی سیاسی و مشارکت در اعتراضات شد. در این دوره اعتراض، نه‌تنها بلوا و اغتشاش نبود بلکه امری مشروع و حق طبیعی رعیتی بود که دیگر خود را شهروند پنداشته بود.

همین حضور گسترده و اعتراض به نابسامانی سیاسی و اقتصادی، در سال‌های آغازین دهه ۸۰ سده سیزدهم، زمینه‌تغییر ساختار قدرت را در ایران از سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه، گشایش مجلس و حضور نمایندگان مردم (ولو بسیار نازل و ابتدایی) در ساختار قدرت فراهم نمود؛ که در نوع خود در گستره تاریخ ایران، بی‌نظیر و منحصر به‌عبارتی یک انقلاب و دگرگونی اساسی در چرخه قدرت و حکومت بود.

تبدیل رعیت به شهروند و حق سیاست ورزی، فرآورده صورت‌بندی گفتمان سیاسی جدید بود که از راه اعتراض و اعتراضات عمومی، به گفتمان غالب و مسلط مردم در دوره مظفرالدین‌شاه و به عبارتی دوره مشروطه (۱۲۸۵) مبدل

دکتر افراسیاب جمالی

اعتراض بخشی از ماهیت انسان است به جرات می‌توان گفت مخالفت و ابراز نظر خلاف آنچه طرف و یا گروه مخالف می‌گوید تجلی توانایی انسان است پتانسیلی که در حیوانات وجود ندارد و آن‌ها صرفاً در تنازع برای بقا می‌جنگند اما انسان بر اساس اندیشه و ظرفیت‌های ذهنی خود می‌آموزد و در فرایند اجتماعی شدن به‌واسطه زیستن در فضای خانوادگی، فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی اموری را فرامی‌گیرد که مشابه و یکسان با دیگر افراد نیست و اتفاقاً این مثلاً حتی در میان دوقلوهای همسان هم صدق می‌کند و امکان ندارد آدمی در تمام امر با دیگران یکسان بیاندیشد و عمل نناید اصل تفاوت و کمتر در جامعه آسانی از همان ابتدا امری مشخص و محرز بوده است هرچند تلقی‌ها به نحوه ابراز و بیان این وضعیت چندان آسان نبوده است اما واقعیت این است تا قبل از عصر مدرن انسان به‌عنوان موجودی مجبور و مکلف تابع مراجع مختلف قدرت بوده است و این رابطه بر اساس تبعیت محض تعریف‌شده است، در قرون گذشته اعتراض به این تبعیت به‌عنوان ترمذ و یاغی‌گری شناخته‌شده است و معمولاً سزای آن مرگ بوده است، امری که تا حدودی با پذیرش و اقبال عمومی مواجه بوده است درواقع اصل بر ثبات و سکون و حفظ وضع موجود بوده است و تا حدودی این اصل در ساختارهای اجتماعی گذشته تغییر را به‌عنوان امری مذموم و ناپسند تلقی کرده است، امر به پیروی و متابعت مسئله‌ای بوده که تا تمام توان در انواع ایدئولوژی‌ها و ساختارهای سیاسی از آن حمایت‌شده و به‌وسیله دستگاه‌های عقیدتی به آن مشروعیت داده است، تکیه‌بر مسائلی چون بدعت، ارتداد، تقلید و چند مفهوم دیگر می‌نماید تمام تلاش جوامع گذشته بر این اساس بوده که فرد و جامعه در تمام امور با تقلید محض از مراجع قدرت حضورش را تثبیت نماید و در نگاهی بدبینانه تلاش در جهت مخالفت با نظام‌های سیاسی به توسل به مسئله خشونت و هرج‌ومرج و آشوب‌زد و تقبیح شده است هرچند خشونت را نمی‌توان مسئله عارضی بر اعتراض دانست اما به‌واسطه مخالفت و سرکوب اعتراض توسط قدرت ناخواسته خشونت هم بخشی از این روند بود و بنابراین تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در گذشته همواره همراه با خشونت و کشتار بود. در

دکتر اسماعیل محمودی

گشتاسب... تفکر کرد و گفت: رعیت ما ربه ماست (غزالی، ۱۳۶۱: ۱۵۶) شاید بتوان اذعان نمود مفاهیم سیاست، پادشاه، سلطان، رعیت و دولت در زمره مفاهیم کلیدی گفتمان سیاسی حکومت‌های پیشامدرن حاکم بر ایران بوده که بنا پیدایش و حضور اندیشه مدرن دچار دگرگشتی اساسی شده که زمینه عبور از بلوای نان به‌حق اعتراض به نابسامانی سیاسی را فراهم نموده است.

در گفتمان پیشامدرن سیاسی ایران، چهار مفهوم بنیادین آن، یعنی رعیت به‌مثابه بخشی از ربه بی‌زبان، سیاست به معنای تنبیه کردن رعیت ربه، دولت به معنای گله رعیت و ثروت و سرانجام شاه به‌مثابه شبان، آیشخور ایلیاتی و شبانی دارند «پادشاه چون شبان است و رعیت چون ربه» (راز، ۱۳۷۴: ۴۲۸) در این گفتمان تعامل با رعیت در همان حوزه شبان و ربه و چیزی فراتر از آن نبوده و خروجی این گفتمان اطاعت محض و امکان تنبیه شدید در مقابل هرگونه قصور در اطاعت محض بوده است.

در گفتمان پیشامدرن، پادشاه که همان سلطان و خلیفه است به سبب فر ایزدیش، فرمانش مشروع و اطاعتش بر همگان واجب و خروج از اطاعتش عین بلوا، شورش، فتنه و اغتشاش بوده است، در هنگام اغتشاش وظیفه پادشاه سیاست‌کردن رعیت و به عبارتی همان تنبیه، شکنجه کردن، عقوبت کردن و سربریدن رعیت است پس واجب‌کند پادشاه را که سیاست‌کند و باسیاست بود زیرا که سلطان خلیفه خدا است هیبت او چنان باید که چون رعیت او را دور بینند نیارند برخاستن و پادشاه وقت و زمانه ما بدین سیاست و هیبت باید؛ زیرا که این خلاق امروزینه نه‌چون خلاق پیشین‌اند که زمانه بی‌شرمان و بی‌رحمتان است و نعوذبالله اگر سلطان اندر میان ایشان

تربیت جنسی، تابویی که باید شکسته شود!

■ عرفان سبحانی کارشناس ارشد تعلیم و تربیت

از مهم‌ترین نیازهای حیاتی انسان خوردن و خوابیدن و رابطه‌ی جنسی است. اگر برای مدتی طولانی نخوریم یا نخوابیم خواهیم مرد، همچنین اگر نیاز جنسی انسان برآورد نشود علاوه بر به هم ریختن تعادل روانی و جسمی نوع انسان و نسل او از بین خواهد رفت. در جامعه‌ی ما روی روش‌ها و اصول تغذیه و به‌طور کلی روی خوردخوراک و خواب و اهمیت آن‌ها زیاد بحث شده است اما مسائل جنسی به خاطر اینکه تابو شده و تحت عنوان شرم و حیا مطرح گردیده است اکثر خانواده‌ها و مربیان به این امر مهم و حیاطی در حد ضرورت نپرداخته‌اند. هرچند شکستن تابوی که سال‌ها به‌عنوان فرهنگ در میان خانواده‌ها و آموزش‌وپرورش حاکم است، کار آسانی نیست اما شدنی است.

تربیت فرایندی منظم و مستمر به‌منظور رشد همه‌جانبه و متعادل شخصیت کودک است. تربیت از افراطوتفريط در آوردن و به‌اعتدال بردن شخصیت انسان است. گانت می‌گوید تربیت با تن و روان و سر آدمی کار دارد که هدفش ایجاد تعادل و تعدیل تمایلات و غرایز انسان است. در همین راستا تربیت جنسی هم عبارت است از فرایند پرورش و تعدیل و جهت‌دهی و هدایت رفتارهای جنسی انسان به‌منظور تکامل شخصیت کودک. برای پرورش کودکان متعادل به‌عبارت‌دیگر کودکانی که از همه جنبه‌های شخصیتی رشد کنند ناگزیریم آن‌ها را در زمینه‌ی تمامی نیازهای اساسی ازجمله مسائل جنسی به شیوه اصولی تربیت کنیم. همه‌ی ما به‌طور مداوم در رسانه‌ها و از زبان شاهدان خواهیم شنید که کودکانی مورد تجاوز قرار گرفته و حتی به قتل هم رسیده‌اند، به‌علاوه وقتی جمع خانواده‌ها قرار خواهیم گرفت خواهند گفت که نمی‌دانند چگونه به تربیت کودکان در این زمینه بپردازند و نمی‌دانند چگونه به سؤالات آن‌ها پاسخ دهند؛ بنابراین گاهی در پاسخ دادن به سؤالات کودکان طفره می‌روند و یا جواب‌های نادرست می‌دهند و یا خود دچار اضطراب می‌شوند و یا حتی عده‌ای از والدین به تمسخر و تنبیه این نوع سال‌ها و رفتارها می‌پردازند. تربیت جنسی تا حد زیادی می‌تواند کودکان را در معرض آسیب‌های جنسی در جامعه حفاظت کند. تربیت جنسی به خانواده‌ها کمک خواهد کرد که چگونه کودکان خود را از تعرض حفظ نمایند. به‌علاوه به خانواده‌ها آگاهی می‌دهد چگونه به سؤالات اساسی کودکان در این مورد پاسخ دهند؛ بنابراین می‌توان اهداف تربیت جنسی را به شرح ذیل بیان کرد:

- پاسخ به سؤالات جنسی کودکان
- دادن اطلاعات جنسی لازم و ضروری به کودکان
- آموزش روش‌های مراقبت از خود به کودک در برابر آزارهای جنسی
- چرا باید به تربیت جنسی کودکان پرداخت؟

برای اینکه کودکان دچار آسیب‌های جنسی نشوند باید والدین و مربیان

به تربیت جنسی کودکان بپردازند. بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده بین تربیت جنسی و آسیب‌های وارده به انسان در تمام مراحل زندگی رابطه وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر کودکانی که تربیت جنسی شده‌اند کمتر دچار آسیب جنسی شده‌اند. رشد متعادل زمانی امکان‌پذیر است که برای تربیت کودک در زمینه‌ی کلیه نیازهای اساسی او ازجمله نیازهای جنسی راهنمایی‌های لازم ارائه شود. عده زیادی در جامعه ما به‌طور محافظه‌کارانه با تربیت جنسی برخورد می‌کنند و معتقدند نباید روی آن بحث شود. باید اذعان کنیم شرم و طفره رفتن و پنهان‌کاری هیچ‌گاه به‌صورت اصولی بازدارنده نبوده است تنها آن را مخفی کرده است. رفتارهای جنسی آسیب‌زا، خشونت‌های جنسی، تجاوز به عنف و ... در جامعه‌ی ما زنگ خطری است برای یافتن راه‌حل، نه پاک کردن صورت‌مسئله. دو گزینه مهم عامل بقای زندگی انسان می‌باشند: گزینه جنسی، گزینه مرگ زندگی. وقتی گزینه‌ی جنسی عامل بقا و انرژی حرکت و فعالیت انسان است، هیچ توجیهی وجود ندارد به آن نپردازیم. کودکان در زمینه‌ی مسائل جنسی کنجکاو هستند، اگر پاسخ سؤالات خود را از والدین و مربیان نگیرند مجبور خواهند شد اطلاعات جنسی خود را از منابع غیرقابل‌اعتماد دریافت کنند. کودکان آموزش ندیده نمی‌دانند چگونه در برابر خشونت جنسی از خود دفاع کنند، بنابراین مورد تعرض جنسی قرار می‌گیرند. کودکان و نوجوانانی که تربیت جنسی نشده‌اند بیشتر رفتارهای آسیب‌زای جنسی از خود نشان می‌دهند. نمی‌دانند چگونه این نیاز را به شیوه اصولی کنترل کنند بنابراین احتمال انحراف بیشتر می‌شود. بزرگ‌سالانی که در کودکی تربیت جنسی شده‌اند احتمال بیشتری وجود دارد در رابطه‌ی جنسی باهمسرانشان دچار نارضایتی شوند. احتمال مشکلات روانی و عاطفی مرتبط با مسائل جنسی در میان زوجینی که از تربیت جنسی درستی برخوردار نیستند بیشتر است.

اصول تربیت جنسی

۱. کودکان باید به‌اندازه‌ی متناسب با رشد خود اطلاعات جنسی دریافت کنند چون اگر کمتر یا بیشتر بدانند بیشتر در معرض خطر خواهند بود.
۲. تربیت جنسی از تولد شروع می‌شود بخصوص زمانی که کودک وارد کوچه و خیابان و مدرسه می‌شود و درک و فهمش بیشتر می‌شود امر تربیت جنسی پرنرنگ‌تر می‌شود.
۳. دروغ‌گویی و طفره رفتن در پاسخ به سؤالات جنسی اعتماد کودک را از بین می‌برد، بنابراین باید اطلاعات صحیح و درست داده شود.
۴. اولیا و مربیان باید اطلاعات لازم و به‌روز در مورد تربیت جنسی داشته باشند.
۵. والدین و راهنما باید ارزش‌ها و اعتقادات خانوادگی و جامعه‌ی خود را در تربیت جنسی کودکان رعایت کنند.
۶. لازم و ضروری است راهنما یا کودک رابطه مناسب داشته باشد تا بتواند اعتماد او را برای آموزش جلب کند.
۷. سؤالات جنسی کودکان را باید

سروقت و در زمان مناسب و مکان مناسب جواب بدهیم.

۸. از ایجاد احساس گناه و شرمساری و توهین و تحقیر، تهدید و تنبیه و تمسخر پرسش‌های جنسی کودک به‌شدت باید پرهیز کرد. چون مانع بزرگی در تربیت جنسی است.
۹. در هنگام تربیت جنسی از شوخی‌های جنسی و دادن اطلاعات اضافی و غیرضروری باید پرهیز کرد.
۱۰. رها کردن کودک و یا سخت‌گیری در این زمینه آثار زیان‌بار و غیرقابل‌جبرانی به دنبال دارد. در هر دو حالت ممکن

و وسایل آموزشی می‌تواند به آموزش کودک اقدام کند. بهترین آموزش‌دهنده کسی است که زمان بیشتری با کودک می‌گذراند چون در این صورت است که کودک بیشتر احتمال دارد سؤالات جنسیش را طرح کند و یا رفتار جنسی از خود نشان دهد. هرگونه اشتباه در آموزش آسیب‌زااست.

دانستنی‌های جنسی کودکان بر اساس سن

کودکان در هر سنی باید اطلاعات و دانش جنسی مشخصی داشته باشند تا به کنجکاوهای و سؤالات



است فرد به انحرافات و اختلالات جنسی مبتلا شود، چون یکی از اهداف تربیت جنسی از افراطوتفريط در آوردن غریزی جنسی است، باید در تربیت جنسی دست‌به‌عصا راه رفت.

۱۱. والدین در روابط زناشویی و رفتار جنسی خود باید تمام اصول را رعایت کنند. در غیر این صورت کودک دچار آسیب می‌شود.

روش‌های تربیت جنسی

روش کتبی

در این روش از کودکان درخواست می‌کنیم قصد داریم در مورد موضوع جنسی با ایشان صحبت کنیم. آموزش‌دهنده و کودک باید آمادگی داشته باشند. آموزش‌دهنده باید کلیه‌ی اصول تربیت جنسی را که بیشتر در معرض خطر خواهند بود. مجموعه آمده است رعایت کند. آموزش‌دهنده می‌تواند ولی دانش‌آموز یا کسی که ولی صلاح می‌داند باشد. آموزش‌دهنده علاوه بر توضیحات شفاهی می‌تواند از تصاویر و فیلم‌های مرتبط، کتب داستانی یا علمی به زبان کودکانه و هر وسیله‌ی مناسب دیگری نیز استفاده نماید. استفاده از فیلم‌های کارتونی برای کودکان ارجحیت دارد. هرگونه اشتباه در آموزش آسیب‌زااست.

روش واکنشی

منظور واکنش‌های منطقی به سؤالات، گفتار و رفتارهای جنسی است که کودک از خود نشان می‌دهد. در این روش والدین یا آموزش‌دهنده منتظر می‌ماند تا کودک گفتار و سؤال یا رفتار مرتبط با مسائل جنسی از خود نشان دهد. آموزش‌دهنده با رعایت کلیه اصول تربیت جنسی با استفاده از ابزار

اختلالات جنسی کودکان اختلال در هویت جنسی است. هویت جنسی حاکی از ادراک خویشتن فرد به‌عنوان دختر یا پسر است. اختلال هویت جنسی حاکی از احساس ناراحتی شدید و پایدار از جنسیت بیولوژیکی و میل به داشتن بدن جنس مخالف است. علائم اختلال هویت جنسی عبارت‌اند از: تمایل به تعلق داشتن به جنس مخالف، ترجیح دادن لباس، بازی، نقش و همبازی جنس مخالف. ناراحتی مستمر از جنسیت خود. ناگفته نماند هویت جنسی نباید فقط به دلیل تمایل به برخوردارگی از امتیازات فرهنگی متعلق به جنس دیگر و یا ابتلا به بیماری دوجنسیتی باشد (DSM۵).

۶. باید به کودکان یاد بدهیم از بازی‌های پنهانی و سری با افراد بزرگ‌تر و غریبه‌ها پرهیز کنند و اولیا را در این زمینه مطلع نمایند.
۷. باید به کودکانمان یاد دهیم هنگامی کسی قصد تعرض و تجاوز دارد از دیگران و بخصوص مربیان و والدین کمک بگیرند.
۸. کودکان در این سن باید کارکرد اندام‌های بدن خود ازجمله اندام‌های پایینی را بدانند.
۹. کودکان باید بدانند والدین به خاطر عشق و دوست داشتن زیاد با یکدیگر ازدواج کرده‌اند و در اتاق جدا می‌خوابند.
۱۰. کودک باید مفاهیم خصوصی و عمومی و به‌طورکلی حریم شخصی را درک کرده و رعایت کند. به‌طور مثال توالت رفتن و مکان خواب و تمام اعضای بدن را به‌عنوان حریم شخصی درک کند.

در دوران شیرخوارگی، کودک با مکیدن و لمس کردن با جهان ارتباط برقرار می‌کند هر چیزی را که به دستش می‌رسد به سمت دهان می‌برد و از این کار لذت می‌برد. کودکان در سن ۳ تا ۵ سالگی مدام به اندام پایینی خود دست می‌کشند و از لمس آن لذت می‌برند، این دست کشیدن طبیعی است. کودکان به اندام جنسی همدیگر بخصوص جنس مخالف حساس می‌شوند. در این سن کودکان لباس خود را پایین می‌کشند و اندام جنسی خود را به یکدیگر نشان می‌دهند و به اندام تناسلی همدست می‌زنند در این سن کودکان، دربارگی ازدواج پدر و مادر و رابطه‌ی عاطفی بین آن‌ها می‌پرسند و این‌که وقتی پدر و مادر باهم ازدواج کردند آن‌ها کجا بودند؟ در این سن دختران به سمت جنس موافق یعنی مادر و پسران به سمت پدر، تمایل پیدا می‌کنند و با او همانندسازی می‌کنند اگر این همانندسازی بدرستی و با موفقیت انجام شود دختران هویت زنانه و پسران هویت مردانه پیدا می‌کنند.

بین ۶ تا ۹ سالگی

کودک در این فواصل سنی علاوه بر اطلاعاتی که تا سن ۵ سالگی لازم و ضروری است داشته باشد می‌توان اطلاعاتی که در ذیل آمده است به آن‌ها ارائه داد. در این سن می‌توان با سؤال پرسیدن از محتوای اطلاعات قبل از سن ۵ سالگی از پیش‌نیازها برای آموزش در این سن مطمئن شد. ۱. تولیدمثل انسان، حیوانات و گیاهان

۱. برای بقا و ادامه حیات بر روی کره زمین به‌عنوان یک ضرورت درک کند و بپذیرد.
۲. تفاوت‌های جنسیتی بین انسان و حیوانات را بداند و درک کند این تفاوت‌ها لازم و ضروری است؛ و بفهمد این تفاوت‌ها نقص نیست بلکه تکامل است.
۳. بتواند درک کند کودکان حاصل ازدواج والدین می‌باشند.
۴. بهداشت تمام اعضای بدن بخصوص اندام‌های پایینی را به‌عنوان یک ضرورت درک کند و رعایت نمایند.
۵. درک کلی (نه جزئی و دقیق) از بیماری ایدز و سایر عفونت‌های اندام‌های پایینی داشته باشند.
۶. در سن ۹ سالگی برای دختران (چون زودتر به بلوغ می‌رسند) می‌توان اطلاعات مختصر و مفیدی در مورد بلوغ ارائه داد.
۷. رشد جنسی از ۵ یا ۶ سالگی شروع و تا حدود ۱۱ تا ۱۳ سالگی ادامه پیدا می‌کند علائق جنسی در این دوره در سکون و خاموشی است که به آن دوره‌ی نهفتگی گفته می‌شود.

۹ تا ۱۳ سالگی

- کودکان در این سن علاوه بر اطلاعات دوره‌های قبل به‌صورت عمیق‌تر، باید در موارد ذیل هم آگاهی کسب کنند؛ بنابراین والدین و مربیان می‌توانند با سؤال پرسیدن از محتوای اطلاعات قبل از سن ۹ سالگی از پیش‌نیازها برای آموزش در این سن مطمئن شوند.
۱. علائم و نشانه‌های دوره بلوغ را دقیق‌تر بدانند و آن را به‌عنوان ویژگی‌های طبیعی خود بپذیرند و از آن شرمند نشوند.
 ۲. مفاهیم آمیزش جنسی، بارداری، سقط‌جنین و جلوگیری از بارداری و بیماری‌های مقاربتی را بخصوص در سن ۱۳ سالگی درک کنند.
 ۳. با قوانین کشور و فرهنگ بومی خود در مورد ازدواج و روابط خود با جنس مخالف و اشکالات روابط خارج از چارچوب ازدواج اطلاعات مفید و مختصری دریافت کنند.
 ۴. با مفهوم محارم آشنا شوند و در آن‌ها تعهد به محارم ایجاد و تقویت گردد.
 ۵. سواستفاده جنسی و نحوه‌ی مقابله با آن را درک کنند.
 ۶. مفهوم و روش‌های بهداشت دوران بلوغ را بدانند و آن را عملاً رعایت کنند.

تقریباً در پایان سیزده‌سالگی گزینه‌ی جنسی بیدار می‌شود و نوجوانان به جنس مخالف گرایش پیدا می‌کنند و از راه‌های مختلف سعی می‌کنند خود را در مقابل جنس مخالف نشان دهند و نظر آن‌ها را جلب کنند. این رفتارها فرایند طبیعی رشد کودک است. نوجوان در چند و چند پسر اگر روند را طی نکند مشکل دارد؛ بنابراین نحوه‌ی برخورد والدین به‌طوری‌که آن‌ها را دچار شرم و احساس گناه نکند خیلی مهم و اثرگذار است. والدین و مربیان باید اهمیت دوستی، عشق و محبت برای زندگی بهتر را بر رعایت اصول علم روان‌شناسی و قوانین و مقررات عرفی و فرهنگی جامعه‌ی خود به‌طور ساده و جذاب با نوجوان در میان بگذارند.

گرمایش جهانی



از آنجاست که ذخیره‌گاه بیشترین میزان آب شیرین قابل آشامیدن است که با آب شدن آن‌ها به دریاها و اقیانوس‌ها وارد شده و غیرقابل استفاده می‌شود و همچنین بسیاری از جانداران قطب مانند خرس قطبی، پنگوئن، روباه قطبی و ... منقرض خواهند شد. طوفان‌های سوزان و آتش‌سوزی نیز از اثرات دیگر گرمایش زمین است که خود علی بر افزایش گرمایش زمین است. همچنین با تغییر اقلیم زندگی ساکنان زمین به مخاطره خواهد افتاد. گرمایش زمین چگونه اتفاق می‌افتد؟ گرمایش جهانی در واقع افزایش طبیعی یا انسانی دمای اتمسفر در نزدیکی سطح زمین است. گازهای گلخانه‌ای که به‌طور طبیعی وارد اتمسفر می‌شوند باعث گرم شدن زمین می‌شوند. این گازها در اتمسفر به‌عنوان شیشه گلخانه اثر کرده

کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی (سوخت‌های فسیلی که شامل زغال‌سنگ، گاز طبیعی، نفت و فرآورده‌های آن‌ها است) با تولید گاز CO₂ و CH₄ هم به گرم شدن زمین کمک می‌کند و هم هیدروکربن‌های ناشی از سوخت‌های فسیلی در افزایش آلودگی هوا نقش بسزایی دارند، و می‌توانند باران‌های اسیدی را ایجاد کنند. سوخت‌های فسیلی علاوه بر گرمایش زمین و آلودگی هوا مشکلات عدیده‌ای ایجاد می‌کنند که به انتشار آن‌ها در دریا هنگام استخراج و وارد شدن به محیط به هنگام حمل‌ونقل می‌توان اشاره کرد. با استفاده از وسایل نقلیه‌ی عمومی، کاهش درجه حرارت وسایل گرمایش متعکس می‌کند را به دام انداخته و مانع از خارج شدن آن از زمین می‌شود در نتیجه این پرتوها باعث گرم شدن زمین می‌شوند. چند راهکار فردی و مؤثر برای جلوگیری از گرمایش زمین شامل، همچنین می‌توان با کاشت درختان

گرم شدن زمین موضوعی است مشترک در بین تمام کشورهای جهان که در چند دهه‌ی اخیر به دلیل افزایش جمعیت کره‌ی زمین و فعالیت‌های صنعتی بیشتر موردتوجه قرار گرفته است. در سال ۱۹۹۸ میلادی کشورهای صنعتی جهان در کیوتو ژاپن گرد آمدند و پروتکل کیوتو را امضا کردند. بر اساس این پیمان کشورهای صنعتی متعهد شدند که تا ده سال آینده ۵٪ از تولید گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهند و به کشورهای فقیر کمک مالی کنند تا این عمل را به انجام برسانند. گرم شدن زمین مسئله‌ای بسیار خطرناک برای زمین و موجودات ساکن آن است که زندگی آن‌ها را مختل کرده یا به مخاطره می‌اندازد. که اگر به همین روال پیش رود تا چندین سال دیگر با آب شدن یخچال‌های قطبی عملاً اثری از بسیاری از کشورها نخواهد ماند، اهمیت این یخچال‌ها

برای فرام

مانع از بیابان‌زایی و مشکلات ناشی از آن نیز شد. استفاده کمتر از CFCها: کلروفلورو کربن‌ها گازهای مضر برای لایه‌ی ازن هستند. این گازها در تولید اسفنج و فوم، در صنعت اسپری سازی، به‌عنوان خنک‌کننده در یخچال‌ها و لوازم سرمایشی و در کپسول‌های آتش‌نشانی کاربرد دارند. بیشترین خسارت را گازهای موجود در اسپری‌ها به ازون وارد می‌کند هر شخص با استفاده کمتر از انواع خوشبوکننده و ادکلن‌ها و دیگر اسپری‌های غیرضروری در حفظ محیط‌زیست کمک شایان‌ذکری کند. کودهای شیمیایی: از تجزیه ترکیبات ازت ناشی از کودهای شیمیایی توسط باکتری‌های خاک N₂O منواکسید دی نیتروژن تولید می‌شود که سهم کمتری در گرمایش زمین نسبت به کودهای گازها دارد، اما کودهای شیمیایی پهنوبه‌ی خود باعث آلودگی خاک و آب می‌شوند و کاملاً سرطان‌زای هستند.

■ **عه‌دانان‌ هسه‌نپور**

هاټنه سه‌رکاري ده‌وله‌تسی ئا‌کاپه گه‌لنی که‌س و ولاتی دلخۆش کردبوو گوايه مؤدیلیکی تازه بۆ حکومه‌تکردن له ولاتی ئیسلامیدا گه‌لاله بووه و چیدی ئەتوانین ئومێدوار بیسن کولتوری ئیسلامیش له‌گه‌ل مؤذکرێ‌نیه‌دا ئە‌گه‌نجی‌ت و ئازادی و دادپه‌روه‌ری بۆ مرؤ‌ف ده‌سته‌به‌ر ئە‌کات. سه‌ره‌که‌وته‌کانی ئەم ده‌وله‌ته له به‌شی ئابووریدا و گرتنی ژێستی دژه‌ئیس‌راییلی هیواپه‌کی دروست کردبوو که به‌هاری عه‌ریبی خاوه‌ن ئە‌لته‌رناتیقه‌ئیکسی باوه‌هێکراوه. به‌لام هه‌رچی له سه‌ره‌تا‌کانی ئە‌ردو‌غانیسم دوورتر که‌وته‌نوه زیاتر زانیمان ئە‌م هیواپه‌ بی بنهما بووه و ئا‌که‌په‌ جو‌رێ‌که له چه‌نده‌ها چۆ‌ر و شکلی ئاتا‌تۆرکیسم که ره‌گی قوولی فاشیستی ئیدا زۆ‌ر زقه.

ئه‌گه‌رچی داوود تۆ‌غ‌لوو وه‌ک سه‌ره‌که‌رتین تیۆریسی‌نه‌ی ره‌وتی نوێی ئیسلامی له‌ تورکیا له‌ کتییی (عمق راه‌بردی) و له دیاریکردنی فاکته‌ره پێکه‌ننه‌ره‌کانی نیۆعوسمانیزمدا هه‌ول ئە‌دات بیسه‌لمه‌ئینی که ئا‌که‌په له‌سه‌ر بنهما‌ی ره‌گه‌ز و نه‌ه‌وه دانه‌مه‌زراوه و جو‌رێ‌ک دا‌ه‌انه له‌ پان‌تۆرکیسم، به‌لام دواتر و له دووتوویی به‌کرده‌وه‌بیووونی تیۆرییه‌که‌یدا ده‌رئه‌که‌وتی که نیۆعوسمانیزم ده‌قوا‌ده‌ق هه‌مان ئاتا‌تۆرکیسمه و دواده‌رئه‌نجامه‌که‌یشی هه‌ر فاشیۆیزمه. به‌شێ‌وه‌یه‌ک که ئیستا و به‌تایه‌ه‌ت دوا‌ی رووداوه‌کانی پاش ئە‌و به‌هاره عه‌ریبییه‌ی زۆ‌ر زوو گو‌ردا بۆ خه‌زان، هه‌نده ده‌ره‌که‌وته‌کان روون و ئاشکردن که ئیتر زۆ‌ر پتێوستان به سه‌لماندنی به‌ره‌مه‌هێنا‌ه‌وه‌ی فاشیزمی تورکی له به‌رگی نیۆعوسمانیزمدا نییه. ره‌نگه‌ تا‌قه جیا‌وازییه‌که‌ مۆتوره‌کردنی ئایدیای ئیسلامی بی له هه‌مان گو‌تاری کۆنی چه‌نده‌ها سه‌الده‌ی پان‌تۆرکیستی که هه‌زاران کاره‌ساتی به‌ره‌م هه‌یناوه، که ئە‌مه‌ش له خ‌زیدا جیا‌وازییه‌کی مه‌ترس‌یداره، چو‌نکوو هه‌م شه‌هرعیه‌ئیکسی زیاتر به‌ فاشیزم ئە‌به‌خشی و هه‌م وزه و توانایه‌کی زۆ‌تر بۆ به‌ره‌مه‌هێنا‌ه‌وه‌ی به‌رده‌وامی خۆی ده‌خاته به‌رده‌ست. به‌رای من هێرش‌ی ئە‌م دوابییه‌ی تورکیا بۆ سه‌ره‌ عه‌فرین در‌ئێ‌ژه‌ی هه‌مان مه‌یلی ناوشیاری فاشیزمه بۆ ده‌سته‌به‌سره‌داگرته‌ی هه‌موو ئە‌و به‌سه‌تیانه‌ی هه‌لله سووره‌کانی ئە‌و ئە‌به‌زێ‌نن و هه‌ولی وینا‌کردنی ئاسۆپه‌که‌که‌ ده‌ره‌وه‌ی مۆدیلی به‌ ناحق ئاسپهنراو و هه‌میشه هه‌روه‌داوه‌کانی هه‌ر بۆیه له ئیستاوه ئە‌توانین وینای گه‌لی پیشه‌تای هاوشیۆی دیکه‌ش بکه‌ین که له داها‌تو‌دا ئە‌ه‌قه‌ومین.

به‌لام ئە‌زموو‌نی به‌رگریی کۆبانی و عه‌فرین (به‌گه‌شی ئە‌زموو‌نی رۆژئاوا) به هه‌موو رووداوه‌ جارچار دلته‌زێ‌نه‌کانیه‌وه، لای من هه‌وینیی وهرچه‌رخانی‌که‌ له کێ‌ه‌ووپه‌کی به‌رواله‌ت نه‌فره‌متلیکرا‌ودا مێ‌ به‌رده‌وام به‌ده‌وری سه‌ه‌داره شکست و ئاشبه‌تا‌لدا سووپا‌ومه‌تری

■ **اسرلان برنا**

ﻳﺎﺳﯩﻴﺎﺳﺘﻪﻱ ﻣﻨﻄﻘﻪ ﺍﻱ ﻭ ﻓﺮﺍﻣﻨﻄﻘﻪ ﺍﻱ ﺑﺎﺯﻳﮕﺮﺍﻥ ﺑﻴﺮﺍﻥ ﺩﺍﺧﻠﻰ ﺳﻮﺭﻳﻪ ﺑﻪﺩ ﺍﺯ ﺣﻤﻠﻪ ﺩﻭﻟﺖ ﺗﺮﻙ ﺑﺎﻫﻤﻜﺎﺭﻯ ﻧﻴﺮﻭﻫﺎﻱ ﺟﻪﻫﺎﺩﻯ ﻭ ﺗﺮﻭﺭﯨﺴﺘﻰ ﺑﻪ ﻣﻨﻄﻘﻪ ﻓﺪﺭﺍﻝ ﺩﻣﻮﻛﺮﺍﺗﯩﻚ ﻋﻔﺮﯨﻦ ﺩﺭ ﻓﺪﺭﺍﺳﯩﻴﻮﻥ ﺷﻤﺎﻝ ﺳﻮﺭﻳﻪ ﺗﻐﯩﺮﯨﺮﺍﺕ ﺍﺳﺎﺳﻰ ﺭﺍ ﺑﻪ ﺧﻮﺩ ﺧﻮﺍﻩﺩ ﺩﻳﺮ. ﺍﻳﻦ ﻣﯘﻭﻉ ﺧﺎﻭﺭﻣﯩﻴﺎﻧﻪ ﺭﺍ ﺑﯩﺶ ﺍﺯ ﻫﻪﺭ ﺯﻣﺎﻥ ﺩﯨﮕﻪﺭﻯ ﺗﺮﻙ ﺑﻴﺮﺍﻧﻰ ﺳﺎﺧﺘﺎﺭﻯ، ﺳﯩﻴﺎﺳﻰ، ﺍﺟﺘﻤﺎﻋﻰ ﻭ ﺳﯩﺴﺘﻤﻰ ﻗﺮﺍﺭ ﺧﻮﺍﻩﺩ ﺩﺍﺩ ﻛﻪ ﭘﯩﺎﻣﺪﻩﺳﺎﻱ ﺍﻥ ﻗﺎﺑﻞ ﭘﯩﺶ ﺑﯩﻨﻰ ﻧﯩﺴﺘﻨﺪﺍ. ﺁﺯ ﺳﻮﻱ ﺩﯨﮕﻪﺭ، ﺭﯦﺰﯨﻢ " ﺁﻙ . ﭘﺎﺭﺗﻰ " ﺑﻪ ﺭﻫﺒﺮﻯ ﺍﺭﺩﻭﻏﺎﻥ ﻧﯩﺰ ﻳﻜﻰ ﺍﺯ ﻋﻠﻝ ﻭ ﻣﺮﺍﻛﺰ ﺯﻳﻨﺘﺎﺭﻯ ﻫﺎﻱ ﻣﻨﻄﻘﻪ ﺍﻱ ﻭ ﺟﻪﻫﺎﻧﻰ ﻣﺤﺴﻮﺏ ﻣﻰﺷﻮﺩ ﻛﻪ ﺩﺭ ﺳﯩﻴﺎﺳﺘﻪﻱ ﺩﺍﺧﻠﻰ ﻭ ﺧﺎﺭﭼﻰ ﺧﻮﺩ ﺑﻪ ﺑﻦﺑﺴﺖ ﺭﺳﯩﺪﻩ ﻭ ﺩﺭﻭﺍﻗﻊ، ﺩﺳﺖ ﺑﻪ ﺧﻮﺩ ﺍﻧﺘﺤﺎﺭﻯ ﺳﯩﻴﺎﺳﻰ – ﻧﻄﺎﻣﻰ ﺯﺩﻩ ﺁﺳﺖ. ﻫﻤﭽﯩﻨﻦ ﺑﺎﻳﺪ ﺑﻪ ﺍﻳﻦ ﺣﻘﯩﻘﯩﺖ ﺍﺷﺎﺭﻩ ﻛﺮﺩ ﻛﻪ ﻓﺎﺷﯩﺴﻢ ﺍﺳﻼﻣﻰ ﺩﻭﻟﺖ ﺗﺮﻙ ﺍﺯ ﺍﺳﺎﺱ ﺑﺎ ﻣﯩﻌﯩﺎﺭﻫﺎﻱ ﺩﻣﻮﻛﺮﺍﺗﯩﻚ، ﺩﻣﻮﻛﺮﺍﺳﻰ ﺳﺘﻘﯩﻢ، ﺍﺯﺍﺩﻯ ﺟﻨﺴﯩﺘﻰ ﻭ ﺣﻘﯩﻘﯩﺖ " ﻣﻠﺖ ﺩﻣﻮﻛﺮﺍﺗﯩﻚ " ﺩﺷﻤﻨﻰ ﺩﺍﺭﺩ ﻭﻟﺴﻰ ﺑﺎ ﺗﻮﺟﻪ ﺑﻪ ﺍﻟﺘﺮﻧﺎﺗﯩﻮ ﺟﯩﻬﻪ ﻱ ﺯﺩ ﻓﺎﺷﯩﺴﻢ ﻓﺮﺻﺖ ﭘﻼﻳﻰ ﺑﻪ ﺭﻫﺒﺮﻯ ﺧﻠﻖ ﻛﻮﺭﺩ ﺑﺮﺍﻱ ﺣﻞ ﺑﻴﺮﺍﻥ ﺳﻮﺭﻳﻪ ﻭ ﺧﺘﻰ ﻣﻨﻄﻘﻪ ﻓﺮﺍﻫﻢ ﺷﺪﻩ ﺁﺳﺖ.

ﺗﺠﺮﯨﺒﻪ ﻱ ﺍﻧﻘﻼﺏ ﺭﻭژﺍﻭ (ﻛﺎﻧﺘﻮﻥ ﻫﺎ) ﺑﻪﻋﻨﻮﺍﻥ ﺩﻣﻮﻛﺮﺍﺳﻰ ﺍﻱ ﻧﻮﭘﺎ ﺑﺎ ﻣﯩﻌﯩﺎﺭﻫﺎﻱ ﺩﻣﻮﻛﺮﺍﺗﯩﻚ ﺗﺎﺋﺌﯩﺮﺍﺕ ﻣﺘﺒﺖ ﻋﻤﯩﻘﻰ ﺑﺮ ﺧﻮﻣﻮﻉ ﻭ ﺧﻠﻖﻫﺎﻱ ﺧﺎﻭﺭﻣﯩﻴﺎﻧﻪ ﻋﻠﻰ ﺧﻠﻖ ﻣﺘﺒﻪﺭﻙ ﺗﺮﻛﯩﻴﻪ ﻧﻪﻫﺎﺩﻩ ﺁﺳﺖ. ﻣﻄﻤﻨﺎ ﺩﺳﺘﺎﻭﺭﺩﻫﺎﻱ ﻛﯩﺲﭖ ﺷﺪﻩ ﺩﺭ ﺭﻭژﺍﻭ ﺑﻪ ﻋﻠﺖ ﻣﻮﻗﻌﯩﺖ ﺟﻐﺮﺍﻓﯩﺎﻱ

نیوَعۆسمانیزم و رۆژئاوا مۆدیلی واقعی کامه‌یه؟

ﻛﻮﺭﺩﺳﺘﺎﻥ ﭼ ﻭﻩﻙ ﻛﯚﻣﻪﻟﻪ ﺧﻪﻟﻜﺎﻧﯩﻚ

ﻛﻪ ﺑﻪ ﺭﻳﻜﻪﻭﺗﻨﻰ ﺭﻭژﺋﺎﻭﺍﻳﯩﻬﻪ ﻛﺎﻥ ﺗﻮﻧﺪﻯ ﭼﻪﻧﺪﯨﻦ ﺟﻮﮔﺮﺍﻓﯩﺎﻱ ﻟﯧﻚ ﺟﯩﺎﻭﺍﺯ ﺑﻮﻭﻥ، ﭼ ﻭﻩﻙ ﮔﻮﺗﺎﺭﻭ ﺑﺯﺍﻗﻰ ﺳﯩﻴﺎﺳﻰ، ﻟﻪ ﺋﯩﺰﻛﻪﻭ ﺳﻪﺩ ﺳﺎﻟﻰ ﺭﺍﺑﺮﻭﻭﺩﺍ ﻭ ﺳﻪﺭﻫﺎﻱ ﺋﻪﻭ ﻫﻤﻮﻭ ﺧﻪﺑﺎﺕ ﻭ ﺗﯩﻜﯘﺷﺎﻧﻪ، ﺯﻳﺎﺗﺮ ﺷﻜﺴﺘﻰ ﺑﻪﺭﻫﻢ ﻫﯧﻨﺎﻭ ﺋﺎ ﺳﻪﺭﻛﻪﻭﺗﻦ. ﺋﻪﻡ ﻗﻪﺩﻩﺭﻩ ﻫﯧﻨﺪﻩ ﺩﻭﻭﭘﺎﺕ ﺑﯚﺗﻪﻭﻩ ﻛﻪ ﺯﻭرﺟﺎﺭ ﺧﻪﻟﻜﺎﻧﻰ ﻛﻮﺭﺩ ﻭ ﺑﯩﺎﻧﯩﺶ ﺑﻪﻭ ﺩﻩﺭﻧﻪﺟﺎﻣﻪ ﻧﺎﺯﺍﺳﺘﯩﻴﻪ ﻛﻪﺷﺘﻮﻭﻥ ﻛﻪ



ﺑﻪﺯﯨﭙﻦ ﻭ ﻛﯚﻟﺪﺍﻥ ﻭ ﺗﻪﺳﻠﯩﻤﺒﻮﻭﻥ ﺑﯚﺗﻪ ﺧﻪﺳﻠﻪﺗﻠﯩﻜﻰ ﻫﻪﺭﻣﯧﻦ ﻭ ﺟﯩﺎﻧﻪﻛﺮﺍﻭﻩ ﻟﻪ ﻫﻪﻣﻮﻭ ﺑﻮﻭﻧﻰ ﺋﯧﻨﺴﺎﻧﻰ ﻭ ﺟﻮﮔﺮﺍﻓﯩﺎﻱ ﻛﻮﺭﺩﯨﺴﺘﺎﻥ. ﺋﻪﻧﺎﻧﻪﺕ ﺑﮕﺮﻩ ﺭﻭﺍﻧﯩﻨﻰ ﺑﻨﻰ ﺑﻨﻪﻣﺎﻱ ﺯﻳﯩﻨﺘﯩﻚ ﺗﻮﻩﺭ ﺩﻩﺑﻮﻭﻩ ﺑﻨﻪﻣﺎﻱ ﻟﯧﻮﺭﺩﯨﻮﻭﻧﻪﻭﻩ ﻟﻪ ﺧﻮﺩ ﻭ ﻟﻪﻭﻳﺪﻯ ﻭ، ﻟﻪﻭﻳﻮﻩﺵ ﺧﺴﺘﻨﻪ ﺑﻪﺭﺩﻩﺳﺘﻰ ﻛﯚﻣﻪﻟﻨﻰ ﭼﻪﻣﻜﺴﻰ ﺳﻪﻳﺮﻭﺳﻪﻣﻪﺭﻯ ﭘﯧﺮ ﻟﻪ ﺩﻟﺴﺎﺭﺩﻯ ﻭ ﺑﯩﻴﻮﻭﺩﻩﻳﻰ. ﺩﻭﺍﺭﻭﻭﺩﺍﻭﻱ ﻟﻪﻡ ﭼﻪﺷﻨﻪ ﻟﻪﺩﻭﺍﻱ ﻧﺴﻜﯚﻱ ﺭﯨﻔﺮﺍﻧﺪﯗﻣﻰ ﺑﺎﺷﯩﻮﻭﺭ ﻭ ﺩﻭرﺍﻧﺪﯨﻨﻰ ﻛﻪﺭﻛﻮﻭﻛﻪﻭﻩ ﺭﻭﻭﻱ ﺩﺍ ﻛﻪ ﺭﯞﺧﻰ ﻛﻮﺭﺩﺳﺘﺎﻧﯩﻴﺎﻧﻰ ﺑﻪ ﻗﻪﺑﺎﺭﻩﻳﻪﻛﻰ ﺑﺎﻭﻩﺭﭘﯩﻨﻨﻪ ﮔﺮﺍﻭ ﺩﺍﺭﻭﻭﺧﺎﻧﺪ ﻭ ﺳﯩﻴﺎﺳﻪﺗﻰ ﻫﯧﻨﺪﯨﻤﺘﯩﺮ ﺑﻪ ﺩﺯﻭﺍﺭ ﻭ ﺑﮕﺮﻩ ﻧﺎﻣﻮﻣﻜﯩﻦ، ﭘﯧﻨﺎﺳﻪ ﻛﺮﺩﻩﻭﻩ.

ﺋﻪﮔﻪﺭﺟﻰ ﻛﻮﺭﺩﺍﻥ ﻟﻪ ﭼﻪﻧﺪ ﻭﻻﺗﻰ ﺟﯩﺎﺩﺍ ﺋﻪﺯﯨﻦ ﻭ ﺳﻪﺧﺘﻪ ﻟﻪ ﭼﻮﺍﺭﭼﯘﭘﻮﻱ ﺭﻭﺍﻧﯩﻨﻰ ﻧﺎﺳﯩﻮﻧﺎﻟﯩﺴﺘﯩﺪﺍ ﻳﻪﻙ ﮔﻪﻻﻟﻪ ﻭ ﭼﺎﺭﻩﻧﻮﻭﺱ ﺑﯘ ﺳﻪﺭﺟﻪﻡ ﮔﺸﻪﺗﺘﯩﺎﻥ ﻗﺎﻳﯩﻞ ﺑﯩﻦ، ﺑﻪﻻﻡ ﻟﻪ ﺭﻭﻭﻱ ﺭﯞﺟﯩﻴﻪﻭﻩ ﻫﯧﭻ ﻛﺎﺕ ﺩﺍﺑﯩﺮﺍﻱ ﮔﺎﻣﻞ ﻟﻪﻳﻪﻙ ﻧﻪﺑﻮﻭﻥ ﻭ ﻫﻪﻣﯩﺸﻪ ﺭﻭﻭﺩﺍﻭﻩﻛﺎﻧﻰ ﻫﻪﺭ ﻻﻳﻪﻙ ﺭﺍﺳﺘﻪﻭﺧﯘ ﻭ ﻧﺎﺭﺍﺳﺘﻪﻭﺧﯘ ﻛﺎﺭﻱ ﻛﺮﺩﯛﺗﺘﻪ ﺳﻪﺭ ﻫﻪﻣﻮﻭ ﻛﻮﺭﺩﺍﻥ. ﻫﻪﺭ ﺑﯚﻳﻪ ﺭﻭﻭﺧﺎﻧﻰ ﻛﻪﺭﻛﻮﻭﻙ ﭼﻪﻧﺪ ﺑﯘ ﺧﻪﻟﻜﻰ ﺑﻪﺷﻰ ﺋﯧﺘﺮﺍﻕ ﻫﻪﺯﻳﻨﻪﺭ ﺑﻮﻭ ﺑﻪ ﻫﻪﻣﺎﻥ ﺋﺎﺳﺖ ﻭ ﺑﮕﺮﻩ ﺯﯨﺘﺎﺭﯨﺶ ﺑﯘ ﻛﻮﺭﺩﻯ ﺋﺎﯦﺮﻩ ﺭﻭﻭﺧﯩﻨﻪﺭ ﺑﻮﻭ، ﺩﻭﺍﻱ ﺋﻪﻭ ﺋﺎﺷﺒﻪﺗﺎﻟﻪ ﺑﻪ ﺩﻩﻳﺎﻥ ﻛﻪﺳﻤﺎﻥ ﻟﻪ ﺭﯞﺯﻫﻪﻟﺎﺕ ﺋﻪﻳﻨﯩﻨﻰ ﻛﻪ ﺩﻩﮔﺮﯨﻴﺎﻥ ﻭ ﺩﻩﻳﺎﻧﻮﺕ ﭼﯧﺪﻯ ﺳﯩﻴﺎﺳﻪﺕ ﻭ ﺧﻪﻳﺎﺕ ﺑﯩﻤﺎﻧﻴﺎﻱ ﻭ ﻫﯧﭻ ﻛﺎﺕ ﺑﻪ ﻫﯧﭻ ﻧﺎﮔﻪﻙ ﻟﻪ. ﭘﺎﺭﺳﺘﯩﺪﺍ

● **ﻣﯩﺤﯩﻂ ﺯﯨﻴﺴﺖ ﺷﻪﻫﺮﻯ (ﺯﯨﻨﮕﻪﻱ ﺷﺎﺭ)**

■ ﻳﯩﮕﯩﺸﻨﺒﻪ ۱۵ ﺑﻪﻣﻦ ۱۳۹۶ ■ ﺳﺎﻝ ﺳﻮﻡ ■ ﺷﻤﺎﺭﻩ ۲۸ ■

ﺋﯧﻨﺴﺎﻥ ﺯﻣﻮﺕ ﺋﻪﻛﺎﺕ، ﻟﯧﺮﻩ ﺑﻪﺩﻭﺍﻭﻩ ﺋﯧﻤﻪ ﺑﻜﻪﺭﻳﻜﻰ ﺧﻮﺩﺑﻮﻧﯩﺎﺩ ﻧﯩﻦ ﺑﻪﻟﻜﻮﻭ ﺋﺎﻣﯩﺮﺋﯩﻜﯩﻦ ﺋﻪﻛﻪﺭ ﮔﻪﻭﺭﻩﺗﺮﺍﻥ ﺑﯩﻴﺎﻧﻪﻭﻯ ﻭ ﺩﻩﺭﮔﺎﻱ ﺷﺎﻧﺴﻤﺎﻥ ﺑﻪ ﺭﻭﻭﺩﺍ ﺑﻜﻪﻧﻪﻭﻩ ﭘﯧﻨﺪﻩﺟﯩﺘﻰ ﺑﻪ ﻫﻪﻧﺪﯨﺌﻰ ﻟﻪ ﺧﻮﻟﯩﺎ ﻛﺎﻧﻤﺎﻥ ﺑﮕﻪﻳﻦ. ﺧﻪﺳﺎﺭﻯ "ﺧﯚﭘﻪﺳﺘﻪﻧﻮﻩ ﺑﻪ ﺑﺮﺍﻱ ﮔﻪﻭﺭﻩﻭﻩ" ﺑﻪﺷﻰﻛﻰ ﻫﻪﺭﻩﺯﻭﺭﻯ ﺑﺯﺍﻓﻪ ﻧﻪﺗﻪﻭﻣﺒﻰ ﻭ ﭼﻪﭘﮕﻪﺭﺍﻛﺎﻧﻰ ﻧﺎﻭﭼﻪﻱ ﺋﯧﻤﻪﻱ، ﻳﻪﻙ ﻟﻪﻭﺍﻧﻪﺵ ﻛﻮﺭﺩﯨﺴﺘﺎﻥ، ﺑﻪﺭﻩﻭ ﻫﻪﻟﻠﯩﺰﻯ ﺩﺍﺭﻭﻭﺧﺎﻥ ﻭ ﺷﻜﺴﺖ ﺑﺮﺩﻭﻭﻩ.

ﺋﯩﺴﺘﺎ ﻭ ﺩﻭﺍﻱ ﺑﯩﺸﺘﻪﻟﻜﺮﺩﻧﻰ ﻫﺎﻭﺍﻛﺎﺗﻰ ﺭﻭﻭﺳﯩﺎ ﻭ ﺋﺎﻣﺮﯨﻜﺎ ﻟﻪ ﻛﺎﻧﺘﯘﻧﻰ ﻋﻔﺮﯨﻦ ﻭ ﺯﯨﻨﮕﻪ ﭼﯚﻟﻜﺮﺩﻧﻰ ﺑﯩﺸﻪﺭﻣﺎﻧﻪ ﺑﯘ ﺋﺎﺭﺗﻪﺷﻰ ﺋﻪﻳﺎﺭﻯ ﺗﻮﺭﻛﯩﺎ، ﻭﺍﺩﯨﻴﺎﺭﻩ ﺑﯘ ﻳﻪﻛﻪﻡ ﺟﺎﺭ ﻭﻩﺭﭼﻪﺭﺧﺎﻧﯩﻚ ﺧﻪﺭﯨﻜﻪ ﺭﻭﻭ ﺋﻪﺩﺎﺕ ﻭ ﺷﯚﺭﺷﻰ ﺑﻨﺪﻩﺳﺘﺎﻥ ﺧﯚﻱ ﻭﻩﻙ ﺯﺍﺗﯩﻜﻰ ﺳﻪﺭﺑﻪﺧﯚ ﻭﯨﻨﺎ ﺋﻪﻛﺎﺕ ﻧﻪﻙ ﻭﻩﻙ ﺑﻮﻭﻧﯩﻜﻰ ﻭﺍﺑﻪﺳﺘﻪ ﻭ ﺋﺎﻣﺮﺍﺯﻯ ﺩﻩﺳﺘﻰ ﺑﺮﺍﮔﻪﻭﺭﻩﻛﺎﻥ. ﺭﻧﮕﻪ ﺑﻨﺘﻮﺍﻧﯩﻦ ﺋﻪﻣﻪ ﺑﻪ ﺩﺭﯨﺰﻩﻱ ﻟﯚﯞﯨﻜﺎﻟﻰ ﺋﻪﻭ ﺩﻭﻧﯩﺎﺑﯩﻨﭙﯩﻴﻪ ﺑﺯﺍﻧﯩﻦ ﻛﻪ ﻟﻪ ﺑﺎﺗﺴﻰ ﻣﯚﺩﯨﻠﯩﻰ ﺯﺍﻟﻰ ﺩﻩﻭﻟﻪﺗﻠﯩﻜﻰ ﺷﻮﻧﺎﺳﮕﻪﺭﺍﻳﺎﻧﻪ ﻫﻮﻟﻰ ﺩﺍﻭﻩ ﻣﯚﺩﯨﻠﻰ ﺳﻪﺭﯨﺒﻰ ﻛﺎﻧﺘﯘﻧﻰ ﻗﻪﺷﻨﻮﺍﺱ ﻭ ﻟﻪﺭﺍﺳﺘﯩﺪﺍ ﺑﯩﻨﻰ ﺷﻮﻧﺎﺱ ﺩﺍﺑﻤﻪﺯﺯﯨﻨﯩﺘﻰ، ﭼﻪﺷﻨﯩﻚ ﻟﻪ ﺋﯚﺭﮔﺎﻧﯩﺰﺍﺳﯩﻮﻧﻰ ﻛﯚﻣﻪﻟﮕﺎ ﻛﻪ ﻟﻪ ﺧﻮﺍﺭﻭﻩ ﺑﯘ ﺳﻪﺭﻩﻭﻭﻳﻪ ﻭ ﻫﻪﻣﻮﻭ ﭘﯩﻜﻪﻣﺎﺗﻪﻛﺎﻥ ﺑﻪﺑﻨﻰ ﺩﯨﺎﺭﯨﻜﺮﺩﻧﻰ ﺑﻪﺷﻰﻛﻰ ﻟﻪﻳﺘﯩﺸﻪﻭﻩ ﺩﯨﺎﺭﯨﻜﺮﺍﻭ ﻟﻪ ﺩﻩﺳﻪﻻﺕ، ﺷﻪﺭﯨﻚ ﻭ ﺑﻪﺭﻳﯚﻩﺑﻪﺭﻯ ﻛﯚﻣﻪﻟﮕﺎﻥ. ﺳﻪﺭﻛﻪﻭﺗﻨﻰ ﺋﻪﻡ ﺋﻪﺯﻣﻮﻧﻪ ﻧﺎﻭﺍﺯﯨﻴﻪ ﺋﻪﺗﻮﺍﻧﻰ ﺋﺎﺳﯚﻳﻪﻛﻰ ﺗﺎﺯﺍﺩﻯ ﺭﻭﻭﻥ ﻟﻪ ﺑﻪﺭﺩﻩﻡ ﻛﯚﻱ ﺋﯩﻨﺴﺎﻧﺪﺍ ﺑﻜﺎﺗﻪﻭﻩ ﺑﻪ ﺋﺎﺭﺍﺳﺘﻪﻱ ﺋﯧﻴﻪﺭﺷﻨﺪﻭﻱ ﺳﯩﻴﯩﺴﺘﻪﻣﻰ ﭼﻪﻗﺒﻪﺳﺘﻮﻭ ﻭ ﻫﻪﺭﻣﯧﻦ ﻧﻮﻳﯘﻧﺪﺭﺍﻭﻱ ﺩﻩﻭﻟﻪﺗﺎﻧﻰ ﻧﻪﻣﻪﻭﻳﯩﺪﺍ ﻭ ﺭﯞﺋﺎﻧﯩﻰ ﺳﯩﺴﻪﻣﯩﻚ ﻛﻪ ﺗﻴﺎﻳﺪﺍ ﺩﻩﺷﯩﺖ ﻫﻴﻮﺩﺍﺭ ﺑﯩﻦ ﻫﻪﻣﻮﯞﺍﻥ ﺑﻪﻛﺴﺎﻧﻦ ﻭ ﺑﻨﺪﻩﺳﺖ ﻭ ﺋﯧﺰﯨﺪﻩﺳﺘﯩﺒﻮﻭﻥ ﺑﻪﺭﻩﻭ ﻛﺎﻟﯩﻮﻧﻮﻧﻪﻭﻩ ﺭﯨﮕﺎ ﺑﯧﺮﻯ. ﺋﻪﻭﻩﺵ ﺯﯨﻴﺎﺩ ﻛﻪﻡ ﻛﻪ ﺋﻪﻡ ﻗﺴﺎﻧﻪ ﺋﻪﻳﻨﯩﻦ ﻛﻪ ﺋﻪﺗﻮﺍﻧﯩﻦ ﺑﻠﯩﻴﻦ ﻧﻤﻮﻭﻧﻪﻳﻤﺎﻥ ﻛﻪﻣﺘﺮ ﺑﯩﻨﯩﻮﻩ. ﻫﻪﺭﭼﻪﻧﺪ ﻟﻪ ﺷﻪﺭﻱ ﺩﺯﻩﻣﻌﯩﺸﯩﺪﺍ ﻳﻪﻛﯩﻨﻪﮔﺎﻧﻰ ﭘﺎﺭﺍﺳﺘﯩﻨﻰ ﮔﻪﻝ ﻭ ﻫﯧﺰﻩﻛﺎﻧﻰ ﺳﻮﺭﻭﺭﻱ ﺩﯨﻤﯚﻛﺮﺍﺕ ﻫﺎﻭﭘﻪﻳﻤﺎﻧﻰ ﻫﻪﺭ ﺩﻭﻭ ﺑﻪﺭﻩﻱ ﺭﯞژﺋﺎﻭ ﻭ ﺭﯞﺯﻫﻪﻻﺕ ﺑﻮﻭﻥ، ﺑﻪﻻﻡ ﻫﯧﭻ ﻛﺎﻣﯩﺎﻥ ﺋﺎﻣﺎﺩﻩ ﻧﻪﺑﻮﻭﻥ ﻟﻪ ﺑﻪﺭﺍﻧﺒﻪﺭ ﺗﻮﺭﻛﯩﺎﺩﺍ ﻧﻪﻙ ﻫﺎﻭﭘﻪﻳﻤﺎﻥ ﺑﻪﻟﮕﻮﻭﺗﻪﻧﺎﻧﻪﺕ ﻟﯚﻣﻪ ﻛﻪﺭﻳﻜﻰ ﺟﯧﺪﯨﻰ ﺗﻮﺭﻛﯩﺎﻳﯩﺶ ﺑﻦ. ﺋﻪﻡ ﻫﻪﻟﻜﻪﺭﺍﻧﻪﻭﻩ ﻭ ﺑﻪ ﺋﺎﻣﺮﺍﺯ ﺯﺍﻧﯩﻨﻪ ﻧﻪﺭﺗﯩﻴﻜﻪ ﺳﺎﻟﻪﻫﺎﻳﻪ ﺭﯞژﺋﺎﻭ ﻭ ﺯﻟﻪﻳﺰﻩﻛﺎﻥ ﺑﻪﺭﺍﻧﺒﻪﺭ ﺑﻪ ﺧﻪﺑﺎﺗﻰ ﺭﯞﺯﻫﻪﻻﺗﯩﻴﻪﻛﺎﻥ ﻭ ﺑﻨﺪﻩﺳﺘﺎﻥ ﭘﯧﺮﻭﻩﻱ ﺋﻪﮔﻪﻥ، ﻓﯩﻠﯩﻤﻰ "ﻛﯚﻣﻪﻳﺎﻧﻰ" ﺳﻪﺭﻧﭽﺮﺍﻛﯩﺸﺘﯩﺮﯨﻦ ﺭﻭﻭﺩﺍﻭﻩﻛﺎﻧﻰ ﻧﺎﻭ ﺋﻪﻡ ﭼﻪﺷﻨﻪ ﺧﯩﺎﻧﻪﻧﻪ ﺑﻪﺑﺎﺷﻰ ﺩﻩﺧﺎﺗﻪ ﺑﻪﺭﭼﺎﻭﻱ ﺑﯩﻨﻪﺭ. ﺗﺎ ﺋﯧﺴﺘﺎ ﻫﻪﺭﻛﺎﺕ ﺯﻟﻪﻳﺰﺍﻥ ﭘﯩﺸﺘﻰ ﺧﯧﺒﺎﺗﻰ ﺑﻨﺪﻩﺳﺘﺎﻧﻰ ﻛﻮﺭﺩﯨﺴﺘﺎﻧﯩﻴﺎﻥ ﭼﯚﻝ ﺋﻪﻛﺮﺩ ﺗﻪﻗﺮﯨﺒﯩﻴﻦ ﺗﺎﻗﻪ ﺯﯨﮕﺎ ﺩﻩﺑﻮﻭﻩ ﺋﺎﺷﺒﻪﺗﺎﻝ ﻭ ﻭﺍﺯﻫﯩﻨﺎﻥ، ﭼﻮﻧﻜﻮﻭ ﺭﻭﺍﻧﯩﻨﻰ "ﻣﻮﻧﮕﯩﭽﻪﺭﺍﻳﺎﻧﻪ" ﺑﯘ "ﺋﻪﻭﯨﺪﯨﻴﯩﻴﻪ ﺑﻪﻫﯩﺰﻩﻛﻪ" ﺟﯩﻴﻪ ﻫﻪﺭﺟﯚﺭﻩ ﺭﻭﺍﻧﯩﻨﯩﻜﻰ ﺗﺎﻛﺘﯩﻜﯩﻴﻪ ﺩﻩﮔﺮﺗﻪﻭﻩ ﻭ ﻫﻪﻣﯩﺸﻪ ﻳﯧﻤﺎﻥ ﻭﺍ ﺑﻮﻭﻩ ﺋﻪﮔﻪﺭ ﺯﻟﻪﻳﺰﺍﻥ ﻟﻪ ﭘﯩﺸﺘﻤﺎﻥ ﻧﻪﺑﻦ ﻫﯧﭽﻤﺎﻥ ﭘﯩﻨﻰ ﻧﺎﻛﺮﯨﻜﻰ.

ﺋﻪﻡ ﺧﻪﺳﺎﺭﻩ ﮔﻪﻭﺭﻩﻳﻪ ﺑﯚﺗﻪ ﻫﯚﻱ ﺑﻪﺭﻫﻪﻣﭙﺎﺗﻨﯩﻰ ﭘﺎﺳﯩﻘﯩﺴﻤﯩﯟﯨﻜﻰ ﭘﻪﺗﻰ ﻛﻪ ﺋﯧﻤﻜﺎﻧﻰ ﻫﻪﺭﭼﻪﺷﻨﻪ ﻛﻪﺗﻨﯩﻚ ﻟﻪ ﻛﻪﺭﻭﻭﻱ ﺳﯩﻴﺎﺳﻪﺕ ﻭ



زلزله‌ای که باید پیکر جامعه را به لرزه درآورد



۱۶ پاییز ۹۶ حادثه دل‌خراش زلزله ۷٫۳ ریشتری داغ دیگری بر پیکر جامعه نهاد! تبعات حوادث اعم از طبیعی و انسان‌ساز به زمان وقوع محدود نمی‌شود و اثرات بلندمدت آن بر بازماندگان و افراد نزدیک به حادثه سال‌ها باقی خواهد ماند. تألمات ناشی از دست دادن عزیزان، تشدید فقری که با تاریخ و جغرافیای این مناطق عجین شده است، زیان‌های مالی و فشارهای ناشی از نابودی مختصر امکانات اولیه زندگی، مشکلات بهداشتی تن و روان، مواردی است که در نگاه اول ممکن است مورد توجه قرار گیرد، اما در این میان، عدم صیانت از سرمایه اجتماعی جامعه بسیار نگران‌کننده است. اعتماد نهادی و اعتماد اجتماعی پایه‌های اساسی سرمایه اجتماعی است که هر دو در پیوند عمیق با اخلاق قرار دارند.

علاوه بر ضرورت نیازسنجی صحیح برای صرف مناسب منابع، توجه به نحوه کمک‌رسانی‌ها به گونه‌ای که منجر به ایجاد روال‌های بد اخلاقی یا ترویج اخلاقی نادرست نشود ضروری به نظر می‌رسد تا دربرگیرنده توانمندسازی و تعریف فرایندی برای بازگشت اهالی این مناطق به زندگی با اتکا به توان و تجربه و امکانات خود باشند. ارتقای مشارکت جمعی آسیب دیدگان در روند بازسازی‌ها و کمک‌رسانی‌ها، به‌عنوان شاخص دیگری است که فرآیند امداد رسانی را در جهت تقویت سرمایه اجتماعی سوق می‌دهد و بسیار مهم است.

زلزله و اتفاقات پیرامون آن با وجود همه تلخی‌هایش لایه‌های بسیار پنهانی از جامعه را آشکار می‌کند؛ ضرورت اداره جامعه توسط اعضای آن، ناکارآمدی ساختارهای دولتی در اقدام به‌موقع و کافی حین بحران و پس‌از آن، ضرورت سازمان‌دهی برای مدیریت بحران، توجه جدی به جنبه‌های اخلاقی اجتماعی در کنار تأمین نیازهای اولیه هم در شرایط بحران و هم پس‌از آن از جمله عمده این موارد است.

گویی زلزله علاوه بر لرزاندن زمین، با ایجاد تلاطم در مناسبات اجتماعی، زوایای پنهان آن را در معرض دید قرار داده است، اما به دلیل آنکه حادثه در جغرافیایی محدود اتفاق افتاده است گویا قادر به لرزاندن تن همه جامعه نشده است.

در شرایط جغرافیایی و اجتماعی ما، زلزله‌های بسیاری مستمراً در جامعه در حال وقوع است؛ از پلاسکو و سانچی تا ناسامانی‌های زیست‌محیطی و مواججه با پدیده ریزگرگ و سوء مدیریت منابع آب، از رشد پدیده‌های نامطلوب اجتماعی همچون طلاق، اعتیاد، فساد فحشا تا اختلاف‌های کلان که تنها یک رقم آن معادل نه سال بودجه سالانه کشور است!

به یاد نهبیی می‌افتد که قرآن باده نوشان سرمست را مورد خطاب قرار می‌دهد که افلاتنتهون "ایا شمارا بس نیست و دست بر نخواهید داشت؟" آفرینشی سیاسی اخلاقی و بازآفرینی معنای از دست‌رفته نوشداری تن نیمه‌جان جامعه است تا در پرتو آن اداره جامعه توسط خود جامعه تحقق یابد و با مفاهیم زمینه توزیع متوازن

قدرت مهیا شود و با عدالت در توزیع ثروت هستی جدیدی از جامعه خلق شود. هستی زیبا، صحیح، نیک، آزاد که فرهنگ را به‌مثابه کلیتی که هستی جامعه را در برمی‌گیرد اعتلا بخشد. تنها با تلاشی مجدانه در مسیر بازآفرینی سیاست، اخلاق، فرهنگ، عشق و هنر و دریک کلام معنا در جامعه می‌توان به چاره‌اندیشی و حل بحران‌های بنیان‌کن جامعه گام برداشت. آن چنانکه میشل فوکو بیان می‌کند شرطی‌سازی از طریق کنترل، بسیاری از انسان‌ها را به موجودات دست‌آموز قدرت بدل کرده است به‌گونه‌ای که دوری از سیاست، همچون ادعایی افتخارآمیز از سوی افراد، مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

فوکو می‌گوید: "ادغام حیات طبیعی در مکانیسم‌ها و محاسبات قدرت دولتی و سیاست تبدیل به زیست سیاسی می‌شود. برای هزاره‌ها انسان همان چیزی باقی می‌ماند که ارسطو تعریف می‌کند یعنی جانوری زنده که همچنین دارای قابلیت اضافی تجربه هستی سیاسی است اما انسان مدرن جانوری است که سیاستش هستی او را در مقام موجودی زنده زیر سؤال می‌برد"

مراد از بیان دیدگاه فوکو و ارسطو تأکید بر انحرافی است که انسان مدرن از هستی اصیل خود پیدا کرده است؛ موجودی که به‌راحتی قابل اداره کردن بر مبنای خواست فرا دستان است. مصداق بارز تجمع چنین موجوداتی که فاقد ادراک زیبا شناسانه هستند، تجمع درندگان است که امروز در عفرین به کشتار ملتی دیگر می‌پردازند تنها به یک دلیل و آن‌هم عدم تن دادن به آسیمیلاسیون نظام جهانی سلطه و در خط مقدم آن حکومت تجاوزکار ترکیه به‌عنوان یکی از کارگزاران آن. هدف آسیمیلاسیون، همگون سازی جامعه برای تأمین برده‌ها جهت تأمین منافع قدرت و استثمار با کمترین هزینه ممکن است. جامعه آسیمیله شده تجمعی از موجوداتی است فاقد وجدان، اخلاق و باورهای منسجم، پردگانی مطیع و پرکار که در نوکری گوی سبقت را از یکدیگر می‌ریایند و این

حیات با معنا درگرو کسب هنر زندگی فضیلت مندانه است آیا فضیلت انسان در مواجهه با پدیدارهای زشت و پلید و رخدادهای دل‌خراش و دردناک، ایستادن در مقام سوژه موقتی است که تنها با تهیه یا انتقال گزارش و فیلم و عکس و مرتبه‌سیرایی ملال‌آور می‌خواهد ایزه گردانی خود را به همچون کنشی اصیل معرفی کند؟ یا فرد و جامعه در مقابل رخدادها موظف به خلق حقایق هستند؟

افراد و جامعه در صورت تداوم چنین وضعیتیتی به کجا خواهند رفت؟ وقت آن رسیده است که بگوییم ما را بس است و بسیار درنگ است و باید شتاب کنیم:

ما در منزل جانان چه امن عیش چون هرم جرس فریاد می‌دارد که بریندید محمل‌ها شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل کجا داند حال ما سبک‌باران ساحل‌ها

■ آرمان غفوری
طبیعت همیشه یک منبع پر تولید و بالقوه قلمداد می‌شد اما با افزایش جمعیتی حدود ۷۴ میلیاردی و ظهور انقلاب صنعتی و اثرات زیست‌محیطی مخرب و سیل نزولی مصرف‌گرایی، این جمعیت بشدت تهدیدی برای کهری زمین و زیستگاه بشری است، نه از روی نیاز بلکه از روی طمع برای نیل به سود و هدف خود در محیط‌زیست است.

زمانی که انسان‌ها سلاح‌های کشتار جمعی چون بمب اتم را ساختند سخن از افتخار و پیشرفت بود اما فقط لذت از جنایت و قتل‌عام بود. نیاکان و اجداد ما با باورهای درست در زندگی و بدون تکنولوژی در طبیعت زندگی می‌کردند حرفی از تخریب و ویرانی نبود بلکه یک همزیستی بود و تاکنون هم برای ما که نسل‌های آینده‌شان هستیم باقی‌مانده است.

خشک شدن اغلب تالاب‌ها و دریاچه‌های کشور، آلودگی نگران‌کننده‌ی هوا، افت کمی و کیفی اندوخته‌های آب شیرین مملکت، کاهش حجم آب‌های زیرزمینی و نشست زمین، تشدید تولید چشمه‌های گردوخاک و نابودی بیش از ۱۸ میلیون اصله از بلوطستان بی‌رقیب زاگرس به همراه مرگ قابل شماری از چهارپایان در فلات ایران. همه و همه ثابت می‌کنند که کارنامه‌ی نظام آموزشی ما در رعایت موازین و آموزه‌های محیط‌زیستی شایسته‌ی نمره‌ی قبولی نیست (سازمان حفاظت محیط‌زیست ۱۳۹۳- به نقل از حسن میبودی- فصلنامه زیست آیین)

رئیس‌جمهور در سفر استانی خود طرح‌های صنعتی فلان شهر را افتتاح کرد!!!
جنگل‌های زاگرس در سریال آتش زدن‌های عمدی می‌سوزند!!!
مناطق پایین‌دست سدها از بی‌آبی رنج می‌برند!!!

تالاب‌ها یکی پس از دیگری از دست می‌روند!!!
مردم از بی‌آبی رنج می‌برند!!!
تالاب زریبار، جولانگاه ارگان‌های نظامی!!!
شکارچیان مجوز شکار دارند!!!
و

این‌ها تیرهای نشریاتی هستند که بحث از نابودی محیط‌زیست و سرمایه‌ی کهری زمین می‌کنند، اخطارهایی برای مردم و آگاهی و دولت‌ها اغلب از روی عدم و افتخار گونه آن را باهمیت قلمداد می‌کنند. امروزه انسان با دستیابی به فناوری روز توانسته طبیعت را تسخیر و بخش‌های عظیمی از آن مسلط گردیدند. وزارت نیروی در حالی سدهایی احداث می‌کند که روستاییان را مجبور به کوچ اجباری از سرزمین و منزل اجدادی خودشان می‌کند و در نهایت هزاران اصله درخت و بوته‌زار و زمین کشاورزی و... مدفون می‌گردد، گاهی موجب به زیرآب بردن آثار باستانی و تاریخی مناطق ملت‌ها گردیده است (نمونه: سد داریان در کوردستان که به گفته سرپرست گروه نجات بخشی بل حدوداً ۴۲ اثر تاریخی، دینی، باستانی، چشمه و غیره، جنگل‌های بکر بلوط و چندین روستا را به‌کلی مدفون کرده است). قرار گرفتن حجم زیاد آب پشت سد موجب تحریک زلزله گشته و تنوع آب و هوایی را به‌شدت

تغیر می‌دهند. وقتی برای تأمین آب بدون برنامه به منابع زیرزمینی آب منگی می‌شویم، وقتی بدون ارزیابی تعداد زیادی سد احداث می‌کنیم، وقتی که برای احداث طرح‌های صنعتی نظرات ادارات متولی و انجمن‌های مردم‌نهاد را به جدی نمی‌گیریم یعنی نمی‌خواهیم مدیریت داشته باشیم، بلکه فقط بسازیم به هر قیمتی که شده است.

تمام جنگل‌های بکر و مناطق حفاظت‌شده، دچار جاده‌سازی‌های انبوه و غیرموجه شده که اغلب موجب از بین بردن پوشش گیاهی شده و راه را برای شکارچیان باز کرده است، آیا جاده‌های طولی در جنگل‌ها باعث نشده که سود جویان راحت‌تر جنگل‌ها را آتش بزنند؟ آیا با احداث جاده در مناطق زیبا و زیستگاه‌های باارزش حیات‌وحش همچون جنگل‌ها باعث نشده که این مناطق و رودخانه‌ها و چشمه‌ها به دلیل حجم زباله‌ها به گنداب تبدیل شوند؟

بیشتر از یک دهه است که زاگرس در حجم و مساحت وسیع به‌صورت عمدی جنگل‌هایش را آتش می‌زنند. چرا با توپ باران ارگان‌های نظامی هزاران هکتار مربع جنگل‌های مریوان درختان جنگلی را سبیل مانوهرای نظامی کرده‌اید؟ چرا برای تجارت‌های کم سود زغال و امثال جنگل صاحب ندارد؟ مگر نمی‌گویند که درختان منبع اکسیژن و اقتصاد کشور هستند و سرمایه‌ی جاودان و ماندگار برای آیندگان؟ ادارات متولی جدا از اینکه در موعود مقرر حضور دارند اما با اعلام هکتار از ۱۰۰۰ هکتار وسعت آتش‌سوزی را کم اعلام می‌نمایند، مهم این است که آتش زدن به دست انسان است و در روز روشن جنگل‌ها را به آتش می‌کشند و دولت همچنان نظاره‌گر است و سریال‌ها را فقط از دور تماشا می‌کند! و اقدام یا تصمیم جدی را هنوز انجام نداده است، درک نمی‌کند که این سریال‌ها برابر با نابودی زندگی مردم و اقتصادشان است. زمانی ما در مناطق حفاظت‌شده محیط‌زیستی پیر و حیوانات کمیاب داشتیم، ولی متأسفانه الان هیچ آثاری را از این‌ها نمی‌توان پیدا کرد. در آینده‌ای نه‌چندان دور به لطف روزگار و ندانم‌کاری و نبود مدیریت جنگلی برایمان باقی نمی‌ماند.

این روزها اگر نگاهی به نقشه توپوگرافی یا ماهواره‌ای تالاب‌ها ببندازیم خواهیم دید که روزه‌روز وسعت تالاب کم شده و تبدیل به خشکی گردیده است. زمانی که بالادست تالاب‌ها سد احداث می‌کنیم و روش کشت مناسب را آموزش ندهیم، برداشت بی‌رویه آب به سادت تبدیل‌شده باشد دیگر تالاب ارومیه‌ای را نخواهیم داشت و امروز فقط خروارها شوره‌زار به‌جامانده است.

روزمره، بلکه از روی ندانم‌کاری و طمع‌کاری برای نیل به اهداف مادی دست به چنین کار اشتباهی می‌زنند. طی تحقیقاتی که انجمن سبز چیا انجام داده است بیشترین تخریب و قطع درختان بلوط در بخش‌های خاومیرآباد، سرکل و سرشیو رخ‌داده درحالی‌که اکثر مناطق روستایی از نعمت خدادادی گاز برخوردار هستند و در تأمین سوخت مشکلی ندارند. روش کار آن‌ها در مرحله اول قطع درختان تر و خشکاندن آن‌ها و در مرحله دوم کندن چاله‌هایی در فاصله‌های نزدیک به هم برای سوزاندن درختان از قبل بریده‌شده و تبدیل آن به زغال برای فروش است. به‌طوری‌که در سایه بی‌توجهی و کم‌کاری مسئولین این سرمایه ارزشمند به سایر استان‌های ایران و از جمله تهران وارد شده و حتی به اقلیم کوردستان عراق نیز قاچاق می‌شود.

در روز روشن و در مساحت گسترده جنگل‌های بلوط شهرستان مریوان و دریاچه‌های ناپودی در جنگل‌های مریوان است که این روزها نه از روی تأمین سوخت مورد نیاز زندگی

انباشت فجایع محیط‌زیستی حاصل بی‌مدیریتی

اگر ورود فاضلاب و رسوبات، ایجاد سد خاکی، برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی، تغییر کاربری اراضی (دیمی به خانه باغی)، از بین بردن پوشش گیاهی و درختی، فرسایش خاک و غیره به امری عادی تبدیل‌شده باشد تالاب زریبار در شهرستان مریوان دیگر فرصتی برای حیات نخواهد داشت. جای بس تأسف است که بالای تپه مشرف به دریاچه زریبار، تبدیل به جایگاه و ارگان‌های نظامی گردیده شده‌اند هم در محدوده پناهگاه حیات‌وحش و ساخت‌وساز در آن در حال افزایش است حتی بدون درخواست مجوز از منابع طبیعی و محیط‌زیست.

در فرهنگ لغت زیست‌محیطی کلمه‌ای به اسم مناطق حفاظت‌شده داریم که امروز اگر این مناطق را نگاه کنیم محلی ست برای شکارچیان مجاز و غیرمجاز شده است! جایی زندگی می‌کنیم که سلاح کشتاری را هم برای کشتن حیوانات مجوز دار کرده‌اند و با خیال راحت به جان حیوانات می‌افتند. تربیت کردن و دادن مجوز برای گرفتن جان جاندار دور از تصمیم‌گیری و مدیریت خردمندانه دولت‌هاست. طبق منطق، اخلاق و قانونی که داریم اجازه نداریم با تکنفک به‌زور وارد خانه کسی شد و امنیت آنان را سلب کرد، باید همسان اخلاق و قانون را نسبت به حریم حیوانات داشته باشیم که آن‌ها هم حق زیستن را دارند. با نابودی زیستگاه جانوران به روش‌های مختلف نسل حیوانات موجود کوهستانی و جنگلی را از بین خواهیم برد.

نابودی اکوسیستم آبی، نسل‌کشی پرنندگان، کشتار حیات‌وحش، آتش زدن جنگل‌ها، آلوده کردن آب‌و‌خاک‌ها و منابع طبیعی، گسترش بیابان‌زایی، مدفون کردن مناطق روستایی و باستانی، خشکاندن چشمه‌ها و رودخانه‌ها، شکار جانوران کمیاب و غیره. این فاجعه‌ها و بیشتر از آن‌ها تکتک دارند زمین را می‌بلعد.

جز اندک سمن‌های زیست‌محیطی آموزشی هم که نیست و اگر اندکی دیده می‌شود اغلب حرف زدن است و بس، اگر به مردم روش صحیح را یاد می‌دادیم که محیط‌زیست خود را نابود نکنند و به آن‌ها یاد نمی‌دادیم چگونه در طبیعت برای اشتغال‌زایی و منافع اقتصادی تاخت‌وتاز کنند قطعاً الان این‌همه هزینه و خسارت و تخریب و نابودی را متحمل نمی‌شدیم چراکه باور داریم بشر دارای اندیشه و شعور است، پس ضروری است



جنگل‌های بلوط شهرستان مریوان دود ناشی از چاله‌های زغال‌گیران در معرض دید ادارات متولی قرار می‌گیرد اما بی‌تفاوت بودن و تعداد اندک محیط بانان سبب فراوان‌تر شدن تعداد چاله‌های زغال‌گیری شده است. وقتی برای کبسه‌ای زغال، باید تعداد زیاد تنه‌های درختان قطع شود، دیری نخواهد گذشت که این فاجعه به معضلی بزرگ تبدیل‌شده و نتیجه‌ی آن خشکاندن ریه‌های تنفسی و نابودی مناطق بکر و تنوع زیستی غنی جنگل‌های مریوان خواهد شد. جایی بس تأسف است که روی تابلوهایی در معرض دید عموم نوشته‌شده "زغال بلوط موجود است"

البته این نکته را نیز نباید فراموش کرد که ما نیز در این جنایت مقصریم و نقش داریم؛ چراکه از جای زغالی و کباب زغالی بیشتر لذت برده و در برابر تاراج‌کنندگان این سرمایه ملی‌مان بی‌تفاوت نظاره‌گریم.

زغال‌گیری در جنگل‌های بکر مریوان



سپاه‌پختی زاگرس، تمامیت ندارد را باید قبول کرد. زغال‌گیری از درختان بلوط یکی دیگر

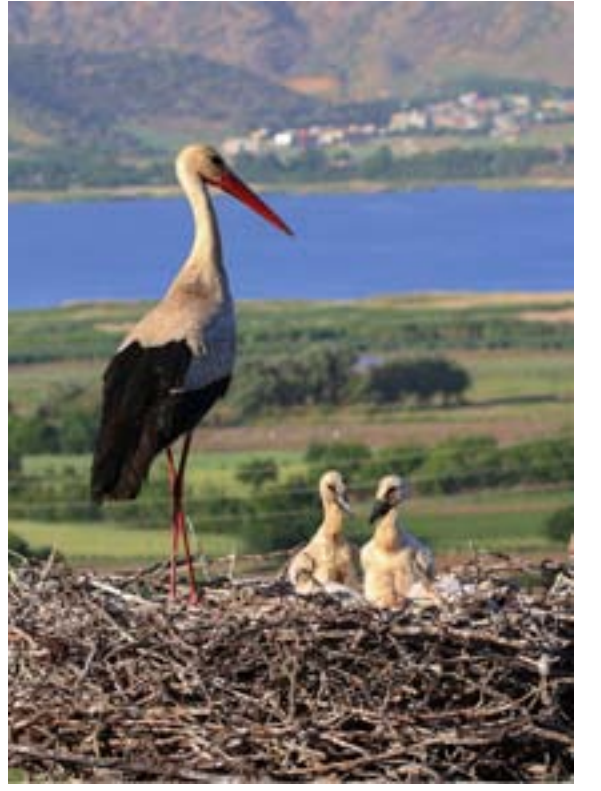


صاحب امتیاز و مدیر مسئول: امید رشیدی | زیر نظر: شورای سردبیری | ماهنامه کوردی - فارسی | مدیر هنری: صلاح علمی زاده | تلفن و نامبر: ۰۷۲۳۴۵۰۹۷۲ | روابط عمومی و پذیرش آگهی: ۰۹۱۸۵۱۵۲۴۴۸ | گستره توزیع: استان های کوردستان، ایلام، کرمانشاه، لرستان، آذربایجان غربی | نشانی دفتر مرکزی: استان کوردستان، مریوان، خیابان مولوی کورد، ساختمان روز، طبقه اول، واحد ۱۵، کد پستی: ۶۶۷۱۹۱۵۶۴ | ایمیل: chya.govar@gmail.com | ماهنامه چیا در ویرایش و تلخیص مطالب ارسال آزاد است | مطالب و آثار چاپ شده از زمانظر گرداندگان چیا نمی باشد | شماره حساب: ۰۱۱۰۳۲۲۹۴۹۰۰۰ | بانک ملی | شماره کارت: ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۵۴۸۷۴۱ | چایخانه: پیام رسانه همدان | مأموستا قانع

عکسنامه جلال پزشک

تلخند

کاریکاتور Omar Zevallos



چکاد

نمی‌دونم شما کجای دنیا زندگی می‌کنید اما من جای زندگی می‌کنم که با نامدیریتی نامدیران مدیریت می‌شود. این نامدیران چون با یک اتفاق یا یک تصادف بر مسند مدیریت تکیه دادند مبنای مدیریت و مبنای مدیریت آن‌ها اتفاق یا تصادف است. این نام مدیران همواره احساس خطر از دست دادن جایگاه را دارند و سایر کارکنان مجموعه را تهدید می‌دانند و احساس می‌کنند که همه درصد را دارند و دست دارند به از تهدید صاحب جایگاه او هستند. این نامدیران بسیار تنگ نظر، کوتاه بین و دهن بین هستند و چون بیشتر آن‌ها در حوزه مدیریتی تخصصی ندارند معمولاً نظرشان، نظر آخرین فردی است که از اتاق نامدیر بیرون می‌رود. این نامدیران علاقه وافری به نظام جاسوسی دارند آن‌ها ترجیح می‌دهند که هر یک از کارمندان به صورت شبانه روزی و مخفیانه در مورد حریم شخصی دیگران جاسوسی کنند و دوست دارند به ازای هر کارمند یک جاسوس وجود داشته باشد. این نامدیران معیار انتخاب اطرافیان خود را تعهد می‌دانند نه تخصص چون وجود نیروی متخصص جایگاه نامدیر را متزلزل می‌کند اما وجود متعدد بی تخصص می‌تواند جایگاه

او را محکم‌تر نماید. این نامدیران بشدت به تقدیرنامه، لوح سپاس، عکس گرفتن در مراسم علاقه‌مند بوده و برای رسیدن به این اهداف از اموال بیت‌المال استفاده می‌کنند. این نامدیران چون خودشان با شتر دزدان همدست هستند تخم مرغ دزدان را به اشد مجازات محکوم می‌کنند. این نامدیران چون در آب گل‌آلود بهتر می‌توانند به نتیجه دلخواه خود برسند، مدام آب را گل می‌کنند چون در فکر فروشستن اندوه دلی نیستند. این نامدیران چون دنیای حقیقی مردم را راهی برای رسیدن به بهشت می‌دانند دنیای مجازی را مایه کفر و نفاق می‌دانند. این مدیران دروازه امید مردم را با بی‌تدبیری قفل کردند و کلید آن را به چاه ویل هسته‌ای انداختند تا کورسوی چراغ رنجور قصه پرداز شب‌ظلمانی باشد.



گهر به نژادی نه‌زیم مردن خه‌لآنه بؤ له‌شم نؤ‌گه‌ری و سه‌ردانه‌واندن کاری نامه‌ردانه‌به قانع‌شم که‌م‌رؤ له زیندانا به نازادی شه‌زیم سده هزار له‌حنته له‌وهی وانؤ‌گه‌ری بیگانه‌به ماموستا قانع



هه‌لۆیه‌ک له‌ره‌گه‌زی به‌رخوه‌دان

له‌و شانۆپانه وه‌کوو هونه‌ره‌مهن‌دێک رۆلێ گێراوه. کاک ئەمەین زستانێ هەمان سال و لە تەمەنی ۱۶ سالیدا بۆ یەكەمین جار لە لایەن دەسه‌لاتی ساواکه‌وه دەسگیر کراوه. دواى خویندنی پۆلی سیبەمی دواناوه‌ندی له‌ سالی ۱۳۵۷دا که شوێشی گه‌لاتی ئێران دەسی پیکردوه، هەر به‌ هۆبۆه‌وه بۆ ماوه‌ی دوو سال خویندنگه‌کان هه‌لپه‌چراوه، سالی ۱۳۵۸ دەوریکی کاریگه‌ری بوه‌له‌ دامه‌زراندنی کومیته‌ی کاریگه‌ران که کومیته‌یه‌ک بوه‌ بۆ دا‌کۆکی کردن له‌ مافی کاریگه‌رانی مه‌ریوان. له‌ سالی ۱۳۵۹ دا دیسان له‌ گوندی ئالمانه دەسگیر کراوه، دواى ماوه‌ی سێ مانگ و ۱۷ رۆژ دیسان نازاد کراوته‌وه. سالی ۱۳۶۰ که به‌ مەبه‌ستی درێژه‌ دان به‌ خویندنگه‌ی له‌ پۆلی چوارمی دواناوه‌ندی، رووی کردوته‌ ده‌یروستان وه‌کوو قوتابی ئاسایی قووولیان نه‌کردوه و ناچار به‌ شیۆه‌ی "داوطلب آزاد" واته‌ بێ ئه‌وه‌ی له‌ پۆله‌کاندا به‌شدار بیت خویندوو‌یه‌تی، که به‌و حاله‌شه‌وه‌ توانیوه‌تی پله‌یه‌کی زۆر باش له‌ خویندنی وه‌ر بگه‌یت. له‌ سه‌رته‌ا‌کانی ده‌یه‌ی چه‌فتای کۆچیه‌یه‌وه به‌ شیۆه‌ی چه‌ر و پر به‌شدار به‌رنامه‌کانی ئەنجومه‌نی فه‌ره‌نگی-ئەده‌بیی مه‌ریوانی کردوه، سالی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ بۆ دوو خول ئەندامی ده‌سته‌ی به‌رپۆه‌به‌ری ئەنجومه‌نی

فه‌ره‌نگی-ئەده‌بیی مه‌ریوان بوه. له‌و سالانه‌دا نه‌نجومه‌نی ناوبراوه‌کۆمه‌ڵه‌ی به‌رنامه‌ی تۆکه‌مه‌و میژوویی به‌رپۆه‌ برد، له‌وانه‌ ئەگرێ بعم شتانه‌ تامازه‌ بگه‌رت: - سه‌میناری فه‌ره‌نگ نووسی زمانی کوردی، سه‌میناریک له‌ ئاستی هه‌ر چوار پارچه‌ی کوردستاندا که فه‌ره‌نگ نووسان و زمان ناسان به‌ پانتایی چه‌ن وولات تێیدا به‌شدار بوون. - سه‌میناری شه‌یعی نوێی کوردی، سه‌میناریک بۆ لێکدانه‌وه‌ شه‌یعی سه‌رده‌می کوردیه‌ ئاماده‌ بوونی زۆرێک له‌ که‌له‌ شاعیرانی کوردستان. - به‌رپۆه‌به‌ردنی خوله‌کانی زمانی کوردی به‌ شیۆه‌یه‌کی چه‌ر و پر. کاک ئەمەین ده‌وریکی حاشا هه‌له‌نگه‌ری بوه‌ له‌ ساق کردنه‌وه‌ی دیوانی ئەحمه‌و به‌کی کۆماسی ناسراو به‌ "خالۆی کۆماسی". شه‌یعه‌کانی ئەم شاعیره‌ نه‌ناسراوه‌ له‌ لایه‌ن کاک ئەرسه‌لان عه‌زیزی (برای کاک ئەمەین) و به‌ یارمه‌تی حه‌کیمی مه‌لا سالح کۆکرایه‌وه، کاک ئەمەین رۆلی هه‌له‌چه‌ن و رێک و پێک کردنی شه‌یعه‌کانی له‌ ئەسته‌و گرت و دواتریش توانی ئەو دیوانه‌ له‌ چاپ به‌ات. هه‌روه‌ها کۆرێکی بۆ ناساندن و شه‌رۆقه‌ی شه‌یعه‌کانی خالۆی کۆماسی به‌رپۆه‌ برد. ئاخه‌ره‌کانی ده‌یه‌ی هه‌شته‌ای هه‌تاوی له‌ گه‌رمه‌ی ئاگره‌کانی دارستانه‌کان و باقی کیشه‌ ژیگه‌یه‌یه‌کانی تر، ئەنجومه‌نی

سه‌وزی چیا ده‌ستی دایه‌ بلأو کردنه‌وه‌ی بلافۆکێک به‌ ناوی چیا. دواى چاپ کردنی چه‌ن ژماره‌ کاک ئەمەین وه‌کوو ئەندامی ده‌سته‌ی نووسه‌ران ها‌ته‌ په‌زی ئەندامانی چیاوه. دوو هه‌فته‌ نامه‌ی کوردی-فارسی چیا له‌ چه‌ن لاپه‌ه‌ی ریش و سبیه‌یه‌وه‌ ها‌ت و تا به‌به‌ره‌ قالب و چوارچۆیه‌یه‌کی تایه‌ت به‌ خۆبی گه‌رت، ئەم بلافۆکه‌ له‌ رێگه‌ی ئەندامانی چیاوه‌ له‌ هه‌مه‌وو دێهانه‌کانی مه‌ریوان و شه‌یونه‌ گه‌شتیه‌یه‌کان به‌ شیۆه‌ی خۆرای بلاو نه‌کرایه‌وه‌ که به‌ داخه‌وه‌ دواى ۷۰ شماره‌ داخرا. هه‌وله‌کان بۆ وه‌رگرتنه‌وه‌ی مۆلته‌ی بلاوکردنه‌وه‌ی بلافۆکێکی له‌وچه‌شه‌نه، که هه‌لگه‌ری کۆمه‌لێکی ئیچگار زۆر مه‌ینه‌تی و چه‌رمه‌سه‌ری بوو، بێ زه‌حمه‌ته‌کان و له‌ دوادا چوونه‌کانی کاک ئەمەین مسۆگه‌ر نه‌ده‌بوو که به‌ خۆشه‌حالیه‌وه‌ دواى چه‌ن سال وه‌لامی دایه‌وه. له‌ ۱۵ گه‌له‌رانی ۱۳۹۴ دا یه‌که‌م ژماره‌ی مانگنامه‌ی چیا ها‌ته‌ بازاروه، که هه‌ر له‌و کاته‌وه‌ هه‌تا کوو ئەم ئاخه‌ره‌ کاک ئەمەین رۆلی کۆله‌که‌ی ئەو بلافۆکه‌ی گێراوه، جه‌نابیان وه‌کوو که‌سه‌یه‌تی یه‌که‌می چیا، زۆرته‌رین زه‌حمه‌ته‌کانی کیشه‌وه‌ بۆ چاپ و بلاو کردنه‌وه‌ی ئەم بلافۆکه‌، کاک ئەمەین که‌سه‌ایه‌تیه‌کی به‌رچاوی مه‌ریوانی بوه‌ که به‌ده‌وام کاریگه‌ر بوه‌ له‌

چاره‌سه‌ر کردنی کیشه‌کانی ناو کۆمه‌لگا، کیشه‌به‌لێک که بیۆیستی به‌ که‌سه‌انی خۆش ناو و هه‌لگه‌ری رۆحی ناویژۆی بوه‌ که په‌رتیه‌ن له: - به‌شدارى چالاکانه‌ له‌ هه‌ولدان بۆ به‌رپۆه‌به‌ردنی حوکمی قه‌ساس. - هه‌ولدان بۆ چاره‌سه‌ر کردنی کیشه‌ شاریه‌یه‌کانی مه‌ریوان له‌ رێگه‌ی شوێی شار و شاره‌داریه‌یه‌وه‌. - هه‌ولدان بۆ هاو‌دلی و نزیک کردنه‌وه‌ی رێکخراوه‌ مه‌ده‌نییه‌یه‌کانی مه‌ریوان که دواتر بوه‌ هۆی درووس کردنی شوێی رێکخراوه‌ مه‌ده‌نییه‌یه‌کانی مه‌ریوان وه‌ه‌ر خۆبشی ئەگرکی رێکخه‌ره‌ و ده‌ییری ئەو شوێیه‌ گه‌رت ئەسته‌و. سه‌رماوه‌زی سالی ۱۳۹۶ بوممه‌له‌زه‌یه‌کی مالاپه‌راکسه‌ر له‌ ناوچه‌ی کرماشانی دا، رێکخراوه‌ مه‌ده‌نییه‌یه‌کانی مه‌ریوان ده‌ستیان دایه‌ درووس کردنی که‌مه‌یه‌نێک له‌ ژێر ناوی "وینه‌ن چاوی لیمانه‌" بۆ کۆکردنه‌وه‌ و هه‌نارده‌ کردنی یارمه‌تی بۆ خه‌لکی لێقه‌ومماوی ناوچه‌، له‌م پێناوه‌دا کاک ئەمەین زۆرته‌رین ئەگرکی له‌ ئەسته‌و گه‌رت و زۆر ماندوو‌یه‌تی نه‌ناسانه‌ شه‌و و رۆژی دایه‌ دم یه‌ک بۆ ئەوه‌ی بتوانی به‌ باشترین شیوه‌ گه‌رمه‌ی ئەو ئەگرکه‌ هه‌لپه‌ره‌نێت. له‌ ۱۱ به‌فرانه‌ی ئەمه‌سالدا له‌ کاتێگدا که کاک ئەمەین وێرایی هاو‌رپه‌یه‌کی تری که‌مه‌یه‌ین (کاک عمه‌ی

دلاویژ)، به‌ره‌و سه‌نه‌ ئەچوون به‌ مەبه‌ستی به‌شدارى له‌ کۆبوونه‌وه‌یه‌ک بۆ هاو‌کاری رێکخراوه‌ مه‌ده‌نییه‌یه‌کان له‌سه‌ر کارسه‌اته‌که‌ی کرماشان، تووشی رووداوی ها‌ت و چۆ بوون. به‌داخه‌وه‌ کاک ئەمەین له‌و کارسه‌اته‌دا تووشی خه‌سه‌اریکی زۆری جه‌سته‌یه‌ی بوو‌یه‌وه. ناوبرا بۆ ماوه‌ی زیاتر له‌ ده‌ رۆژ له‌ نه‌خۆشخانه‌ بوو و هه‌تا کوو ئێستا که‌ش له‌ ماله‌وه‌ خانه‌نشین کراوه‌ له‌ نازاری ئەو کارسه‌اته‌دا ژبانی لێ تال بوه. هه‌لۆیه‌ک به‌ ۵۶ سال تەمه‌نه‌وه‌ له‌ ره‌گه‌زی به‌رخۆدان و وه‌ستانه‌وه‌ که ئێستاه‌ش تامه‌زرۆی هه‌رحی زووتر چاک بوونه‌وه‌ی باری ته‌ندروسته‌یه‌ی بۆ ئەوه‌ی گه‌رت‌ه‌وه‌ سه‌ر رێبازی خه‌زمه‌ت و هه‌له‌په‌راندنی چالاکیه‌مه‌ده‌نییه‌یه‌کانی



عکس نوشت

زیبایی‌های آرامش زیستمدان در تالاب زریبار | عکاس: جلال پزشک



ریختن نخاله ساختمانی توسط مردم در اطراف تالاب زریبار | عکاس: کاوه کوردستانی



ورود فاضلاب شهری مریوان به تالاب زریبار | عکاس: کاوه کوردستانی



اعلامیه‌های جهانی

روز جهانی تالاب‌ها



گردآورنده **سیوان امینی** دوم فوریه برابر با ۱۳ بهمنماه، روز جهانی تالابها نامگذاری شده است. در چنین روزی در سال ۱۹۷۱ میلادی، برابر با ۱۳۴۹ خورشیدی و در شهر رامسر ایران، معاهده‌های جهانی برای حفاظت از تالابها به تصویب رسید که به «کنوانسیون رامسر» مشهور شد. کنوانسیون رامسر قدیمیترین معاهده بینالمللی، با تأکید بر حفاظت از طبیعت در جهان است. این کنوانسیون بر حفاظت و بهره‌برداری معقول از تالابها به‌خصوص در جهت فراهم ساختن زیستگاهی برای پرندگان آبزی تأکید داشت. متداولترین تعریف از تالاب تعریفی است که کنوانسیون جهانی حفاظت از تالابها (کنوانسیون رامسر) به شرح زیر عنوان نموده است: مناطقی پوشیده از مرداب، باتلاق، لجنزار یا آبگیرهای طبیعی و مصنوعی اعم از دائمی یا موقت که در آن آبهای شور یا شیرین به‌صورت راکد یا جاری یافت می‌شود، ازجمله شامل آبگیرهای دریایی که عمق آنها در پائین ترین حد جزر از شش متر تجاوز نکند. تالابها زیستبومهای بینظیری هستند که از لحاظ ویژگیهای بومشناختی منحصر به فرد بوده و به‌خوبی از سایر زیستبومهای دیگر قابل‌تفکیک می‌باشند. آب‌وخاک شرایط خاص خود را دارند و این شرایط از یکطرف امکان رویش هر گیاه و زیست هر جاندار را میسر نمی‌سازد و از طرف دیگر گونه‌های زیستی بینظیری را که بعضاً در هیچیک از زیستگاههای دیگر طبیعت یافت نمی‌شوند، پرورش می‌دهد. بعد از جنگل‌های حاره، جزایر مرجانی، تالاب بیشترین تولید ناخالص اولیه را دارد. تالاب‌ها به سوپرمارکت

زیستی مشهورند. تالابها ازجمله نظامهای حیاتبخشی است که مطلقاً جایگزین ندارند این مسئله به شکلی است که عنوان می‌شود ارزش اکولوژیک تالابها ۱۰ برابر جنگلها و ۲۰۰ برابر زمینهای زراعی است. هیچیک از اکوسیستمهای جهان بهاندازه تالابها خدمات ناشی از کوته اندیشی بشر و تمایلات خودخواهانه انسانمحوری را تجربه نکرده‌اند. کنوانسیون رامسر با علم به این موضوع که حفاظت از تالابها بدون مشارکت و همکاری کلیه ذینفعان بهویژه جوامع محلی امکانپذیر نبوده و رمز موفقیت در جلب مشارکت آنها، بهره‌مندی مدبرانه از منافع تالاب و عجزین شدن وجود و سلامت تالاب با منافع اقتصادی مردم است، حفاظت و بهره‌برداری خردمندانه از تالابها را به‌عنوان هدف اصلی خود دنبال میکند. در کوردستان هم تالابهای متعددی وجود دارد که یکی از بارزترین آنها تالاب زریبار میباشد که باوجود دارا بودن مشخصه‌های یک تالاب بینالمللی اما متأسفانه تاکنون در معاهده کنوانسیون رامسر به ثبت نرسیده است. یکی از زیستگاههای طبیعی و منحصر به‌فرد ایران تالاب زریبار (Ziribar) در غرب شهر مریوان، با مصوبه سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور در سال ۸۸ به‌عنوان پناهگاه حیاتوحش معرفی شد و هرگونه تغییر کاربری و ساختوساز در حریم آن ممنوع هست. این تالاب علاوه بر ایجاد شرایط اقلیمی خاص با حمایت از اجتماعات انبوه گونه‌های گیاهی، پرندگان، پستانداران، خزندگان، دوزیستان، ماهیان و بیمهرگان، فرم زیبا و ویژه‌ای را به اکوسیستم منطقه داده است. از دیگر ویژگیهای منحصر به‌فرد تالاب زریبار میتوان به یخزدگی عرصه تالاب در زمستانهای سرد و وجود جزیره‌های متحرک که در اثر جهت باد حرکت میکنند، اشاره کرد. زریبار از معدود تالابهای آب شیرین

ایران است که هیچ رودخانه دائمی در تأمین آب آن نقش ندارد و عمدتاً از طریق چشمه‌های متعدد در بخش غربی و کف تالاب تغذیه می‌شود. روانابها و ریزشهای جوی از دیگر منابع تأمین آب تالاب هستند. وسعت تالاب به دلیل تغییرات حجم آبی در فصول مختلف متغیر است. طول متوسط آن ۴/۵ کیلومتر و عرض آن اندکی از ۲ کیلومتر کمتر است. طی فعالیت تعدادی از اعضای انجمن سبز چیا و اطلاعات جمع‌آوری‌شده در تالاب زریبار برداشت بیرویه آبهای زیرزمینی از چاههای غیرمجاز در حوضه تالاب، ورود آفتکشها، کودهای شیمیایی، چرای دام و ورود فضولات دامی و افزایش مواد مغذی در تالاب به‌عنوان عوامل تهدیدکننده مربوط به کنش‌آوری و دامداری هستند. ویلا و خانه باغ سازی، باغداری و افزایش زمینهای کشاورزی، ساختوسازهای سازمانهای دولتی ازجمله عوامل تهدیدکننده مربوط به تغییر کاربری اراضی و تخریب زمینهای اطراف تالاب هستند. سدسازی در خروجی تالاب، آتشفش‌های عمدی جنگلهای اطراف تالاب، آتشزدن نیزارها، افزایش زباله، شکاف غیرمجاز پرندگان، ورود فاضلاب خانگی، معرفی ماهیان غیربومی، جاده‌سازی در حریم تالاب و توریسم کنترل نشده از عوامل تهدیدکننده مربوط به نقض قوانین بومشناسی و عدم آگاهی عمومی هستند. پناهگاه حیاتوحش زریبار یکی از مناطق مهم زمستان گذران پرندگان مهاجر است که با قرار گرفتن در مسیر دو کریدور اصلی مهاجرت پرندگان (مسیر پروازی آفریقایی- اوراسیایی و آسیای مرکزی) اهمیت بالایی در پشتیبانی نظام طبیعی مهاجرت پرندگان دارد. بر اساس آخرین تحقیقات تیم پرندهنگری انجمن سبز چیا در حال حاضر بیش از ۲۳۵ گونه پرنده بومی و مهاجر در آن زندگی میکنند.